وانەی کوردی

تایبەتە بە فێرکاری زمانی کوردی

(ڕێنووسی عەرەبی و لاتین)

آموزش زبان کُردی



مەنسوور ڕەحمانی


منتدى إقراء الثقافي

وانەی کوردی

تایبەتە بە فێرکاری زمانی کوردی

(ڕێنووسی عەرەبی و لاتین)

آموزش زبان کردی

مەنسوور ڕەحمانی

پانیذ

١٣٨٩

سرشناسه : رحمانی، منصور، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور : وانەی کوردی : تایبەتە بە فیرکاری زمانی کوردی : آموزش زبان کردی/ مەنسوور رەحمانی.
مشخصات نشر : تهران : پانیذ ، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۹۱ص. : جدول.
شابک : 978-964-7105-22-4
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کردی - فارسی.
موضوع : کردی – دستور
موضوع : کردی – خودآموز
رده بندی کنگره : ۳۲۵۶PIR /ک۴۲ر۳ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی : ۴فا۹ک
شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۰۷۲۱۲



نشر پانیذ

ناسنامەی کتێب:
ناوی کتێب: **وانەی کوردی**[1]
(تایبەتە بە فێرکاری زمانی کوردی/آموزش زبان کردی)
نووسەر: **مەنسوور ڕەحمانی**
پیتچنین و پێداچوونەوە: نووسەر
ڕازاندنەوە: ڤیان کامپیوتر
چاپی یەکم
ئەژمار: ۲۰۰۰ بەرگ
ساڵی لەچاپدان: ۱۳۸۹
چاپ دالاهو
تهران : خیابان انقلاب ابوریحان نبش خیابان وحید نظری پلاک ۲۶
۲۲۱۹۰۹۵۶-۲۲۱۹۰۹۵۱-۶۶۴۱۵۹۸۲

ISBN :978-964-7105-22-4 شابك :۴-۲۲-۹۷۸-۹۶۴-۷۱۰۵
۲۰۰۰ تمەن
ناوەندی چاپ و بڵاوکردنەوە : سنە کتێبی میدیا تەلەفوون : ۰۸۷۱-۲۲۲۸۳۲۷

[1] **« وانه »** در زبان کردی به معنی **« درس »** است.

ناوەرۆك (فهرست)

***

پێشەکی (مقدمە)

زمان سەرەکیترین و گرینگترین نیشانەی هەر فەرهەنگێکە. یەکێ لە گرینگترین شێوەکانی پاراستنی زمان ئەوەیە کە ببێتە زمانی نووسین. خوێندن و نووسین بە هەر زمانێك ئەبێتە هۆی گەشە و مانەوەی ئەو زمانە. کورد هەنووکە بۆ نووسین لە دوو جۆر ئەلفوبێ کەڵك وەردەگرێ:

١– ئەلفوبێی کوردی بە شێوەی عەرەبی

وەکوو: پیتەکانی ا، ب، ت،... . کوردەکانی ئێران و عێراق بۆ نووسین لەم شێوەیە کەڵك وەردەگرن. ئەلفوبێی زمانی فارسیش لە عەرەبی وەرگیراوە.

٢– ئەلفوبێی کوردی بە شێوەی لاتین

وەکوو: پیتەکانی ... ,A, B, C کە زۆرتر لە کوردی کرمانجی باکوور بەکار دەهێنرێت. هەموو زمانەکانی وڵاتانی ئەورووپا و ئەمریکا بۆ نووسین لە ئەلفوبێی لاتین کەڵك وەردەگرن.

ئەلفوبێی «سیریلی»یش یەکێ لەو ئەلفوبێیانەیە کە لە لایان کوردەکانی یەکیەتی سۆڤیەتی جارانەوە کەڵکی لێ وەردەگیرا کە هەنووکە خەریکە پشت گوێ دەخرێ و ئەلفوبێی لاتین جێگای ئەو دەگرێتەوە.

زبان اصلی‌ترین و مهم‌ترین نشانه‌ی هر فرهنگ است. یکی از شیوه‌های حفظ زبان تبدیل آن به نوشتار است. خواندن و نوشتن به هر زبانی موجب توسعه و ماندگاری آن زبان می‌گردد. کردها در حال حاضر برای نوشتار از دو گونه الفبا بهره می‌گیرند:

١- الفبای کردی به شیوه‌ی عربی

مانند: حروف ا، ب، ت،... . کردهای ایران و عراق برای نوشتار از این الفبا استفاده می‌کنند. الفبای زبان فارسی نیز از عربی گرفته شده است.

٢- الفبای کردی به شیوه‌ی لاتین

مانند حروف: ... ,A, B, C که بیشتر در کردی کرمانجی شمالی کاربرد دارد. تمامی کشورهای اروپایی و آمریکایی در نوشتار از الفبای لاتین استفاده می‌نمایند.

الفبای سریلی نیز یکی از الفباهایی است که مورد استفاده‌ی کردهای اتحاد جماهیر شوروی سابق بوده است که در حال حاضر رو به فراموشی است و الفبای لاتین جانشین آن می‌گردد.

بەراوەردکاری، یەکێ لە شێوەگەلی باش بۆ فێربوونە و بە هۆی ئەوەی کە کوردانی خوێندەواری ئێران لەگەڵ زمانی فارسی ئاشنایەتی باشیان هەیە، بەردەنگی ئەم پەرتووکە زۆرتر کوردانی ئێران و ئەو کوردانەیە کە لەگەڵ فارسی و نووسین بەم زمانە ئاشنایەتییان هەیە.

بە هۆی ئەوەی کە تا ئێستا ئەو هەلە نەڕەخساوە کە کورد بتوانێ بڕیاری یەکلاییکردنەوەی نووسین بە یەك جۆرە ئەلفوبێ بدات و لەم گۆڕەپانەشدا هەردوو ئەلفوبێی عەرەبی و لاتین لایەنگر و هۆگری خۆیان هەیە و هەروەها بە هۆی ئەوەی کە بەشێکی گەورەی کورد (دیالێکتی کوردی باکوور) بۆ نووسین لە ئەلفوبێی لاتین کەڵك وەردەگرن، بەشی دووهەمی ئەم پەرتووکە تەرخان کراوە بە چۆنیەتی نووسین بە ئەلفوبێی لاتین. لە کۆتاییدا هیوادارم توانیبێتم مۆمێکی بچووکم لە دڵی ئاسۆی پرشنگداری زمانی کوردی داگیرساندبێت و خوێنەری هێژاش لەم پەرتووکە کەڵکی باش وەربگرێ.

مەنسوور ڕەحمانی، سنە، ١٣٨٦هەتاوی

مقایسه، یکی از روش‌های خوب یادگیری است و به دلیل این که کردهای باسواد ایران با زبان فارسی به خوبی آشنا هستند، مخاطب این کتاب بیشتر شامل کردهای ایران و یا کردهایی است که با زبان و نوشتار فارسی آشنا هستند.

به دلیل این که کردها تاکنون امکان اجرای تصمیم واحدی برای یکسان کردن و نوشتن با یک نوع الفبا را نداشته‌اند و در این عرصه نیز هر دو الفبای عربی و لاتین طرفداران و علاقمندان خود را داراست و هم‌چنین به دلیل این که بخش اعظمی از کردها (گویش کردی شمال) برای نوشتن از الفبای لاتین بهره می‌گیرند، بخش دوم کتاب به چگونگی نوشتن به الفبای لاتین اختصاص یافته است. در پایان امیدوارم توانسته باشم شمع کوچکی را در قلب افق درخشان زبان کردی روشن نموده باشم و خواننده‌ی گرامی نیز از این کتاب بهره‌مند گردد.

***

تفاوت‌های الفبایی زبان فارسی و کردی

الفبای کردی به شیوه‌ی عربی ۳٤ حرف است، به ترتیب زیر:

۱- ء (ئ)	۲- ب	۳- پ	۴- ت	۵- ج
۶- چ	۷- ح	۸- خ	۹- د	۱۰- ر
۱۱- ڕ	۱۲- ز	۱۳- ژ	۱۴- س	۱۵- ش
۱۶- ع	۱۷- غ	۱۸- ف	۱۹- ڤ	۲۰- ق
۲۱- ك	۲۲- گ	۲۳- ل	۲۴- ڵ	۲۵- م
۲۶- ن	۲۷- ه	۲۸- ا	۲۹- وو	۳۰- ۆ
۳۱- و	۳۲- ە	۳۳- ێ	۳۴- ی	

الفبای فارسی ۳۳ حرف است؛ به این ترتیب:

۱- ء	۲- ا	۳- ب	۴- پ	۵- ت
۶- ث	۷- ج	۸- چ	۹- ح	۱۰- خ
۱۱- د	۱۲- ذ	۱۳- ر	۱۴- ز	۱۵- ژ
۱۶- س	۱۷- ش	۱۸- ص	۱۹- ض	۲۰- ط
۲۱- ظ	۲۲- ع	۲۳- غ	۲۴- ف	۲۵- ق
۲۶- ک	۲۷- گ	۲۸- ل	۲۹- م	۳۰- ن
۳۱- و	۳۲- ه	۳۳- ی		

* چگونگی نوشتن حروف « آ و ا » در الفبای کردی

۱- در الفبای کردی « آ » به صورت « ئا » نوشته می‌شود؛ به عنوان مثال کلمه‌ی « آرام » در نوشتار کردی به این صورت است: « ئارام » آسمان = ئاسمان

۲- در نوشتار کردی حرف « ا » (الف همزه) در اول کلمات به صورت « ئـ » نوشته‌می‌شود به عنوان مثال کلمه‌ی « احمد » به این صورت است: « ئەحمەد »

ایمان = ئیمان

حرف « ا » در واژه‌ای مثل دارا با (الف همزه) متفاوت است و به همان صورت « ا » نوشته می‌شود. دارا = دارا

* چگونگی نوشتن حروف « ص » و « ث » ....

۳- در الفبای کردی حرف « س » یک شکل نوشتاری دارد و حروف « ص »، « ث » به صورت « س » نوشته می‌شود. حروف « ص » و « ث » مختص زبان عربی است و دارای تلفظ خاص خود هستند و در زبان کردی کاربرد ندارند، بنابراین کلمات عربی دخیل در زبان کردی مانند نام‌ها و اسماء خاص (نام اشخاص، کوه‌ها، شهرها و...) که دارای حروف « ص » و « ث » هستند در زبان کردی به صورت « س » نوشته و تلفّظ می‌شوند؛ به عنوان مثال کلمه‌ی «مصر » به این صورت است : « مسر »

صاحِب = ساحێب عُثمان = عوسمان

* چگونگی نوشتن حرف « ط » ....

۴- در الفبای کردی حرف « ت » یک شکل نوشتاری دارد و حرف « ط » به صورت « ت » نوشته‌می‌شود. حرف « ط » نیز مانند « ص » و « ث » مختص زبان عربی است و دارای تلفّظ خاصّ خود می‌باشد و در زبان کردی کاربردی ندارد، بنابراین کلمات عربی دخیل در زبان کردی مانند نام‌ها و اسماء خاص (أعلام) (نام اشخاص، کوه‌ها، شهرها و...) که دارای حرف « ط » هستند به صورت « ت » نوشته و تلفظ می‌گردد؛ به عنوان مثال کلمه‌ی « طالب » به این صورت است: « تالب ».

عطر = عەتر طاهر = تاهێر

کلماتی مانند طاهر به سه صورت تاهیر، تاهیر و تاهر نوشته و خوانده‌می‌شود؛ دلیل این تفاوت‌ها اختلاف در چگونگی خواندن این گونه کلمات در لهجه‌های مختلف کردی است.

* چگونگی نوشتن حروف « ذ »، « ض » و « ظ » ....

۵- در الفبای کردی حرف « ز » یک شکل نوشتاری دارد و حروف « ذ »، « ض » و « ظ » به صورت « ز » نوشته می‌شود. حروف « ذ »، « ض » و « ظ » مختص زبان عربی هستند و تلفّظ خاص خود را دارند که در زبان کردی کاربرد ندارد، بنابراین کلمات عربی دخیل در زبان کردی مانند نام‌ها و اسماء خاص (اشخاص، کوه‌ها، شهرها و ...) که دارای حروف « ذ »، « ض » و « ظ » هستند به صورت « ز » نوشته و تلفظ می‌شوند؛ به عنوان مثال کلمه‌ی « رضا » به این صورت است: « ڕزا »

ارض= ئه‌رز ظاهر= زاهیر

* چگونگی نوشتن علامت‌های فتحه (ـَ) و ضمه (ـُ)[1] ....

۶- در الفبای کردی علامت فتحه(ـَ) به صورت حرف « ه » یا « ـه » نوشته می‌شود؛ مثلاً:

دَرد= ده‌رد سَرد= سه‌رد

۷- در الفبا و زبان کردی علامت ضمه (ـُ) و نیز صدایی که دقیقاً مانند ضمه باشد وجود ندارد و نزدیک‌ترین صدا به ضمه (و) است؛ مثلاً، واژه‌ی مُراد با الفبای کردی به این صورت نوشته می‌شود: مو راد.

تلفظ « مُراد » در فارسی با تلفظ « مو راد » در زبان کردی تا حدی متفاوت است. با در نظر گرفتن نکته‌ی فوق در الفبای کردی با تساهل به جای نشانه‌ی ضمه حرف « و » گذاشته‌می‌شود که به آن « واوی کورت » (واو کوتاه) می گویند. کُرد = کورد

۱- حروف صدادار (مصوت) و بی‌صدا (صامت) در بخش بعد ذیل عنوان «مصوت و صامت در زبان کردی» به طور مفصل توضیح داده شده است.

*** حروف دارای نشانه‌ی «ـ̌» (پیته بالّداره‌کان) «ڵ»، «ێ»، «ۆ»، «ڕ» ....**

- نشانه «ـ̌» در الفبای کردی که اصطلاحاً «چوکلّه» یا «بالّه» نامیده می‌شود در الفبای فارسی وجود ندارد. در الفبای کردی تنها چهار حرف «ڵ»، «ۆ»، «ێ» و «ڕ» این علامت را می‌گیرند و به حروف دیگری تبدیل می‌شوند.

«ڵ» به صورت غلیظ خوانده‌می‌شود.

«ۆ» مانند o در زبان انگلیسی تلفّظ می‌شود.

«ێ» تقریباً مانند کسره است.

و «ڕ» به صورت غلیظ (چند زنشی) تلفظ می‌گردد.

۸- ڵ: مانند گوڵ، به معنی (گُل)؛ در حالی که واژه‌ی «گول» با حرف «ل» به معنی کثیف و جذامی است. به عبارت دیگر «ڵ» و «ل» دو حرف متفاوت هستند.

در زبان کردی به «ڵ»، «ل درشت» (قه‌ڵه‌و) و به «ل»، «لام نازک» (ناسک) می‌گویند.

۹- ێ: مانند «بێ» (بیا) با صدایی نزدیک به صدای کسره؛ در حالی که واژه‌ی «بی» به معنی درخت بید است. به عبارت دیگر «ێ» و «ی» دو حرف متفاوت هستند.

۱۰- ۆ: مانند «گۆل» (دریاچه) با صدای «O» در حالی که واژه‌ی «گول» به معنی کثیف و جذامی است. به عبارت دیگر «ۆ» و «و» دو حرف متفاوت هستند.

۱۱- ڕ: مانند «که‌ڕ» (کَر) با صدای «ڕ» غلیظ (چند زنشی)؛ در حالی که واژه‌ی «که‌ر» با «ر» (تک زنشی) به معنی «خر» است. به عبارت دیگر «ڕ» و «ر» دو حرف متفاوت هستند.

در زبان کردی به «ڕ»، «ر درشت»(قه‌ڵه‌و) و به «ر»، «ر نازک» (ناسک) می‌گویند.

نشانه‌ی «ـ̌» در حرف «ڕ» بر خلاف سه مورد دیگر (ڵ، ۆ، ێ) در زیر حرف قرار می‌گیرد تا در نوشتار به شیوه‌ی «دست نوشت» با «ژ» اشتباه نشود.

*** حرف (ڤ)**

۱۲- « ڤ » مانند ئه‌ڤین (عشق)؛ یکی از حروف الفبای کردی است که در فارسی وجود ندارد. صدای « ڤ » مانند صدای « V » در زبان انگلیسی است. این حرف بیشتر در کردی شمال مورد استفاده قرار می‌گیرد و در کردی سورانی در اکثر موارد « ڤ » به « و » تبدیل می‌شود؛ مانند: ئه‌ڤین = ئه‌وین ، هه‌ڤاڵ = هه‌واڵ (دوست)

*** حرف (وو)**

۱۳- «وو» مانند «نووسین» (نوشتن)؛ یکی از حروف الفبای کردی است که در فارسی وجود ندارد. حرف «وو» را در زبان کردی « واوی جووت » (واو جفت) می‌نامند. « وو » در تلفظ به اندازه‌ی دو « و » کشیده می‌شود. چند نمونه:

دوو (دو) ، چوو (رفت) ، سوور (سرخ)

۱۴- هر زبانی دارای نظام آوایی مخصوص به خود است.[۱] در زبان عربی بعضی از حروف به صورت مشدّد خوانده‌می‌شوند، در حالی که در زبان کردی هیچ حرفی به صورت مشدّد خوانده‌نمی‌شود. بنابراین علامتی تحت عنوان «علامت تشدید» در الفبای کردی وجود ندارد و دستگاه آوایی زبان کردی به گونه‌ای است که کلمات مشدّد زبان عربی که وارد زبان کردی شده‌اند اغلب بدون تشدید خوانده می‌شوند:

نجم‌الدّین = نه‌جمه‌دین، عزّت = عیزّه‌ت

۱- به عنوان مثال در زبان فارسی در هر هجا فقط یک صامت آغازین وجود دارد (مثلاً : « مادر » داری دو هجا است « ما » : م + ا (صامت + مصوت) و « دَر » : د + َ + ر (صامت + مصوت + صامت) اما در زبان کردی در یک هجا دو صامت آغازین می‌تواند قرار گیرد، مانند:

(« گویّ » (گوش) گ + و (W) + یّ صامت + صامت + مصوت) امّا در زبان انگلیسی تا سه صامت می‌تواند در ابتدای هر هجا قرار می‌گیرد. مثلاً واژه‌ی stracture دارای دو هجا است.

(strac و ture) که در هجای اول سه صامت آغازین آمده است. s + t + r + a + c (Strac)

در نوشتار کردی، اگر بخواهیم تلفّظ دقیق کلمات را بنویسیم، حرف مشدد را دو بار می‌نویسیم؛ به عنوان نمونه، همان مثال‌های بالا با تلفّظ دقیق عربی آن‌ها به این صورت نوشته می‌شوند: نجم‌الدّین = نەجمەددین، عزّت= عیززەت

* حرف (ە)

۱۵- در الفبای کردی حرف « ە » در تمام حالات به صورت « ە » نوشته‌می‌شود؛ به عبارت دیگر « ە » چه به صورت جدا و چه به صورت پیوسته به یک شیوه نوشته‌می‌شود:

هاوار (فریاد) ، هێمن (آرام) = (« ە » به صورت پیوسته)

بەهبەه (بَه بَه) ، ماه (ماه) = (« ە » به صورت جدا)

* بزرۆکە

۱۶- بزرۆکە: در زبان کردی مصوّتی کوچک‌تر از کسره وجود دارد که برای این صدا در الفبای کردی (شیوه‌ی عربی) حرفی تعیین نشده است؛ مثلاً با دقّت در تلفظ واژه‌ی « ژن » (زن) میان « ژ » و « ن » این صدای کوچک‌تر از کسره را متوجه می‌شویم. این صدا در زبان عربی «کسره‌ی مختلسه» نامیده می‌شود. اولین بار اصطلاح « بزرۆکە » را پرفسور « توفیق وهبی » وضع نمود. در الفبای لاتین برای بزرۆکە نشانه‌ی « i » گذاشته می‌شود.

چند مثال دیگر:

کوردستان «Kurdistan»: مابین حروف « د » و « س » (کورد (بزرۆکە)ستان)

دلۆڤان «dilovan» (مهربان): مابین حروف « د » و « ل » (د (بزرۆکە)لۆڤان)

برِیار « Biȓyar » (پیمان): مابین حروف « ب » و « ڕ » (ب (بزرۆکە)ڕیار)

خشتەی بەراوردکاری ئەلفوبێی فارسی و کوردی (جیاوازییەکان)
جدول مقایسه‌ای الفبای فارسی و کردی (موارد اختلاف)

ردیف	فارسی	کوردی	مثال
۱	آ	ئا	آرام: ئارام
۲	ا (الف همزه)	ء ئـ	احمد: ئەحمەد، ایمان: ئیمان
۳	ص، ث	س	صاحِب: ساحێب، عثمان: عوسمان
۴	ط	ت	عَطر: عەتر، طاهِر: تاهێر
۵	ذ، ض، ظ	ز	رضا: ڕزا، ظاهِر: زاهێر
۶	فتحه « َ »	ە	دَرد: دەرد، سَرد: سەرد
۷	ضمه « ُ »	و	کُرد: کورد
۸	ـ[1]	ڵ	گوڵ (گل)
۹	کسره « ِ »	ێ	بێ (بیا)
۱۰	-	ۆ	گۆل (دریاچه)
۱۱	-	ڕ	کەڕ (ناشنوا)
۱۲	-	ڤ	ئەڤین (عشق)، هەڤاڵ(دوست)
۱۳	-	وو	نووسین(نوشتن)، چوو(رفت)
۱۴	تشدید « ّ »	ـــ	۱- عزّت: عیززەت ۲- عزّت: عیززەت تشدید: در الفبای کردی یا نوشته نمی‌شود یا حرف مشدد دوبار تکرار می‌گردد.
۱۵	هـ / ە	ه	هاوار (فریاد)، بەه بەه (به به)
۱۶	-	بزرۆکە	کوردستان: میان حروف « د » و « س »

۱- نیشانەی مەودا (تەقەڵ) « - » لەم خشتەیەدا بە واتای ئەوەیە کە ئەم پیتە لە ئەلفوبێی فارسیدا نییە.
نشانه‌ی خط فاصله « - » در این جدول به این معنی است که این حرف در الفبای فارسی وجود ندارد.

مصوّت و صامت در زبان کردی

۱- مصوّت در زبان کردی ....

واج‌های[1] مصوّت در زبان کردی (گویش سلیمانیه) هشت مصوّت است. چهار مصوّت بلند؛ سه مصوّت کوتاه و یک مصوّت بسیار کوچک به نام بزرۆکه.

در زبان کردی به مصوّت «دەنگدار»، و به مصوّت بلند «دەنگداری گەورە» می‌گویند و مصوّت کوتاه را «دەنگداری بچووك» یا «دەنگیلە» می‌نامند. نام‌های دیگر مصوّت در زبان کردی عبارتند از: بزوێن، دەنگبزوێن، دەنگبەر، ساز.

مصوّت‌های زبان کردی: ا ، وو ، ۆ ، ی ، ە ، ێ ، و ، بزرۆکه

الف) مثال برای مصوّت‌های بلند:

۱- ا : باران

۲- وو : ڕوو (رو)

۳- ۆ : بۆ (بو)

۴- ی : دیمەن (منظره)

ب) مصوّت‌های کوتاه:

۵- ە : که همان فتحه است، مانند: دەرد (دَرد)

۶- ێ : تقریباً همان کسره است، مانند : بێهرووز (بِهروز)

۷- و : که تقریباً همان ضمّه است، مانند: کورد کُرد

ج) مصوّت کوچکتر از کسره یا بزرۆکه:

۸- بزرۆکه در الفبای کردی به شیوه‌ی عربی دارای نشانه نیست، ولی در الفبای لاتین به صورت « i » نشان داده‌می‌شود. مانند: بردن Birdin

---

۱- «واج»، آوایی است که ممیّز معنا باشد. به تعبیر دیگر کوچکترین واحد صوتی زبان که خود معنی ندارد ولی در ایجاد معنی مؤثّر است.

۲- صامت‌های زبان کردی

واج‌های صامت زبان کردی (گویش سورانی سلیمانی) ۲۹ واج است.

در زبان کردی به صامت «بێدەنگ» می‌گویند. نام‌های دیگر صامت در زبان کردی عبارتند از: نەبزوێن، ناساز، کپ.

صامت‌ها: ء (ئ) ، ب ، پ ، ت ، ج ، چ ، ح ، خ ، د ، ر ، ڕ ، ز ، ژ ، س ، ش ، ع ، غ ، ف ، ڤ ، ق ، ك ، گ ، ل ، ڵ ، م ، ن ، و ، ه ، ی

حرف: حرف شکل ظاهری واج‌هاست، مثلاً حرف « د » شکل ظاهری واج / د/ است. در زبان کردی حرف را «پیت» می‌نامند. تعداد حروف در زبان کردی ۳۴ حرف است.

تعداد واج‌های زبان کردی (گویش سلیمانیه) ۳۷ تاست که ۸ واج آن مصوّت و ۲۹ واج آن صامت است. علّت اختلاف تعداد واج‌ها با حروف در آن است که: اولاً واج «بزرۆکە» در الفبای کردی به شیوەی عربی دارای نشانه یا حرف نمی‌باشد و ثانیاً حرف‌های « ی » و « و » در الفبای کردی به شیوەی عربی هر کدام نمایانگر دو واج هستند به این صورت که اگر دومین حرف هجا باشند، مصوّت‌اند؛ در غیر این صورت صامت هستند. لازم به ذکر است در الفبای لاتین کردی تعداد حروف و واج (به جز یک مورد (همزه)) برابر هستند.(ر.ک: بخش الفبای لاتین/ همین کتاب) هر کدام از « ی » و « و » (صامت و مصوّت) در الفبای لاتین دارای نشانه‌های جداگانه هستند. مثلاً ، در واژەی « یار » ، « ی » صامت است و « ی » صامت در الفبای لاتین با نشانەی « y » نوشته می‌شود، امّا « ی » در واژەی « دین » مصوّت است و « ی » مصوّت در لاتین با نشانەی « î » نوشته می‌شود. « و » صامت مانند: « وەڵام » که در الفبای لاتین با نشانەی « W » نوشته می‌شود. « و » مصوّت کوتاه مانند: کورد که در الفبای لاتین با نشانەی «u» نوشته می‌شود. همچنین در الفبای لاتین «بزرۆکە» با نشانەی (حرف) « i » نوشته‌می‌شود.

بنابراین: ۱. «بزرۆکە» در الفبای عربی به شیوی عربی دارای نشانه یا حرف نیست.

۲. « y » و « î » هردو در الفبای کردی به شیوەی عربی به صورت « ی » نوشته‌می‌شوند.

۳. « w » و « u » هردو در الفبای کردی به شیوەی عربی به صورت « و » نوشته‌می‌شوند.

خشتەی ئەلفوبێی کوردی (سۆرانی سلێمانی) بە شێوەی عەرەبی

جدول الفبای کردی (سورانی سلیمانیە) به شیوەی عربی

١- و: ئا: ئاوات، ئۆ: ئۆھ، ئو: ئومید ، ئی: ئیمان، ئێ: ئێره
٢- ب: باهۆز، ڕێباز (طوفان، طریق)
٣- ت: تارا ، ئەستێره (سرپوش عروس، ستاره)
۴- پ: پاراو، شەپۆل (باطراوت، موج)
۵- ج: جەماوەر، جێژن (مردم، جشن)
۶- چ: چرۆ، چاوەڕێ (جوانه، منتظر)
٧- ح: حەپەساو (بهت زده)
٨- خ: خەرمان، مەخابن (خرمن، افسوس)
٩- د: دیمەن، شەدە (منظره، دستار زنانه)
١٠- ر: زریان، برین (باد سرد، زخم)
١١- ڕ: ڕووناك، بڕین (روشنایی، بریدن)
١٢- ز: زۆزان، ئاوەز (ییلاق، فهم و هوش)
١٣- ژ: ژوانگە ، ژەم (میعادگاه، وعده خوراک)
١۴- س: سامال، ڕاستەوخۆ (آسمان صاف، مستقیم)
١۵- ش: شەبەق، نەشمیل (نخستین تابش آفتاب، زیبای دلکش)
١۶- ع: عەودال (خانەبەدوش)

١٧- غ: غەوارە (بیگانه)

١٨- ف: فڕۆکە ، فووارە (هواپیما، فواره)

١٩- ڤ: مرۆڤ، تاڤگە (انسان، آبشار)

٢٠- ق: قامك، تەقینەوە (انگشت، انفجار)

٢١- ك: کوردستان، مەکۆ (کردستان، انجمن)

٢٢- گ: گەڵا ، ڕێگا (برگ، راه)

٢٣- ل: لاو ، سەلماندن (جوان، قبولاندن)

٢٤- ڵ: ئاڵا ، ڕەهێڵە (پرچم، باران تند)

٢٥- م: مەتەریز، رامان (سنگر، تفکّر)

٢٦- ن: ناوەند ، منداڵ (مرکز، بچّه)

٢٧- ا : ئاوات، (آرزو)

٢٨- وو: دووکەڵ، ڕووخان (دود، ویران شدن)

٢٩- ۆ: تۆز، سۆما (غبار، سوسو زدن نور)

٣٠- ه: هاوار، ئاه(فریاد، آه)

٣١- «ی»دەنگدار(مصوّت): دیرۆك (تاریخ) * «ی»بێدەنگ(صامت): یاری (بازی)

٣٢- «و»دەنگدار(مصوّت): (ـُـ) کورد (کُرد) * «و»بێدەنگ(صامت): وەڵام،هەتاو(جواب ، آفتاب)

٣٣- ە: (ـَـ) دەرد ، شەرم (درَد، شَرم)

٣٤- ێ: (ـِـ) یـ : ڕێز (احترام)، ـێـ: سێو (سیب)، ێ : لادێ (روستا)

ڕێنووسی یەکگرتووی کوردی

(شیوەی معیار املانویسی در زبان کردی)

١- پیتی « و » ی سەرەتای وشە ....

هەر وشەیەك بە پیتی « و » دەست پێ بکات بە یەك « و » دەنووسرێت.

« و » آغاز کلمه

هر کلمه‌ای با حرف « و » آغاز شود با یک « و » نوشته‌می‌شود.

بۆ نموونە: وریا، وڵات، وشە، ورد.

***

٢- نووسینی پیتی « ی » ....

نیشانەکانی « ی »ی دەنگدار و « ی »ی بێدەنگ واتە « î » و « y » لە پیتی عەرەبیدا هەردووکیان هەمان نیشانەی « ی » یان هەیە، بەڵام لە ڕاستیدا لە یەکتر جیاوازن و لە کاتی بە دوای یەکتر هاتنیاندا دەبێ هەردووکیان بنووسرێن.

نوشتن حرف « ی »

« ی » « î » مصوّت و « ی، y » صامت در الفبای کردی بە شیوەی عربی فقط بە صورت «ی» نوشته می‌شود که در اصل با هم متفاوت‌اند و زمانی که این دو « ی » پشت سر هم بیایند باید هر دو « ی » را نوشت. بۆ نموونە: نییە، چییە، زەوییەکە.

***

٣- سێ « ی » لە پەنای یەکدا « ییی، ییيە » ....

لە زمانی کوردیدا تا سێ « ی » دەتوانن لە پەنای یەکدا بێن. پیتی یەکەم و سێهەم بێدەنگەن و پیتی ناوەڕاست دەنگدارە.

سە « ی » در کنار هم

در زبان کردی حداکثر سە « ی » در کنار هم می‌آیند که اوّلی و سومی صامت و « ی » میانی مصوّت است. بۆ نموونە: ئاواییەکەمان، کۆتاییی بە کارەکە هێنا.

***

۴- پیتی « ڕ »ی قەڵەو، واتە « ڕ »ی نیشانەدار ....

ئەم پیتە لە هەر کوێیەکی وشەدا هات، واتە لە سەرەتا و ناوەڕاست و کۆتایی وشە، باشتر ئەوەیە کە بە نیشانەکەیەوە بنووسرێت.

حرف « ڕ » درشت یا دارای نشانەی « ˇ »

این حرف در هر جای کلمه که قرار بگیرد؛ یعنی، آغاز، وسط و پایان کلمە، بهتر آن است که با نشانەی « ˇ » نوشته شود. بۆ نموونە: ڕۆژ ، بڕیار ، کەڕ

***

۵- پیتی « و » ی بە یەکەوەبەستن ....

پیتی « و »ی بە یەکەوەبەستن، بە شێوەیەکی سەربەخۆ لە وشەی پێش خۆی و پاش خۆیەوە دەنووسرێت. واتە نە دەلکێت بە وشەی پێش خۆیەوە و نە بە شێوەی « وو » دەنووسرێت.

« و » ربط

حرف « و » ربط به صورت مستقل میان دو کلمەی قبل و بعد از خود نوشته می‌شود (یعنی به کلمەی قبل نمی‌چسبد و به صورت « وو » نیز نوشته نمی‌شود.) بۆ نموونە:

من و تۆ، ئارەزوو و وریا

***

۶- پیتی « و »ی ناوگر ....

لە هەندێك وشەی ناسادە وەکوو: «دەنگوباس»، پیتی « و »ی ناوگر و هەر دوو وشەکە پێکەوە وشەیەکی سەربەخۆیان دروست کردووە. لەم دۆخەدا نابێ « و »ی ناوگر سەربەخۆ بنووسرێت و وشەکە هەمووی بە سەر یەکەوە دەنووسرێت.

حرف « و » میانوند

در بعضی از کلمات غیرساده مانند: «دەنگوباس»، « و » میانوند و دو کلمەی قبل و بعد آن یک واژه محسوب می‌گردد؛ در این موارد « و » به صورت مستقل نوشته‌نمی‌شود و جزئی از کلّ واژه است (به کلمەی ماقبل خود می‌چسبد.) بۆ نموونە: کاروبار، ئەلفوبێ، هاتوچۆ.

***

٧- وشەی ناسادە ....

چ ناو بێ یان زاراوە، دەبێ بە سەر یەکەوە وەکوو یەك وشە بنووسرێن.

کلمات غیر سادە

چە اسم باشد چە اصطلاح، باید سرهم نوشتەشود. بۆ نموونە:

ناو: **بێکەس، دڵشاد، میاندواو.**

زاراوە **(اصطلاح): ڕێنووس، نیشتمانپەروەر، ئازادیخواز، سێشەممە.**

***

٨- پیتی « ت »ی کۆتایی فرمان ....

لە کۆتایی کار(فرمان)دا دەتوانرێ بنووسرێت و دەتوانرێ نەشنووسرێت.

حرف « ت » پایان فعل

این گونە « ت »ها را کە در پایان فعل می‌آیند هم می‌توان نوشت و هم می‌توان حذف نمود.

بۆ نموونە: **دێت و دەڕوات (یان) دێ و دەڕوا.**

***

٩- وشەی بیانی ....

وشەی بیانی چ هاتبێتە ناو زمانی کوردییەوە یان هەر ناو و وشەیەکی‌تر کە لە نووسینی کوردیدا دێتە پێشەوە، دەبێ بە ڕێنووسی کوردی بنووسرێت.

واژەی بیگانە **(دخیل)**

تمامی واژەهای بیگانە کە وارد زبان کردی شدەاند و یا می‌شوند باید بر اساس نوشتار و الفبای کردی نوشتە شوند. بۆ نموونە: **الله: ئەڵڵا، قلم: قەڵەم، اکبر: ئەکبەر**

***

١٠- نیشانەکانی « تر، ترین » ....

بۆ بەراورد بەکار دێن و دەبێ بە وشەکانی پێش خۆیانەوە بلکێنرێن.

سەرنج: نیشانەی « تر » جیاوازە لە وشەی « تر » کە بە واتای «تر = دی ، دیکە » دێت.

ئەمەی دوایی دەبێ بە جیاواز لە وشەی پێش خۆیەوە بنووسرێت.

نشانەهای (تر ، ترین)

برای مقایسه به کار می‌روند و به کلمات قبل از خود می‌چسبند.

جوان: جوانتر، جوانترین خاو: خاوتر، خاوترین.

توجه: نشانەی « تر » با کلمەی « تر » که در زبان کردی به معنی « دیگر » است تفاوت دارد.

(تر: دیگر) به صورت جدا از کلمەی ماقبل خود نوشته‌می‌شود. بۆ نموونە:

ماڵێکی‌تر، کتێبێکی تر.

***

١١- جێناوە ئاماژەکانی: ئەم ، ئەو ، ئەڤ ....

ئەم جێناوانە ئەگەر ئاوەڵکاری (کات، یان، شوێن)یان بە دوادا هات پێیانەوە دەلکێن.

ضمایر اشارەی: ئەم ، ئەو ، ئەڤ

اگر بعد از این ضمایر قید «زمان یا مکان» بیاید به آن‌ها می‌چسبند. بۆ نموونە:

ئەم + شەو = ئەمشەو ، ئەمڕۆ ، ئەڤساڵ ، ئەمجارە ، ئەمبەر و ئەوبەر

***

١٢- نیشانەکانی نەناسراو ....

وەك « ... یەك ، ... ێك ، ... ەك » بە شێوەی خوارەوە دەچنە سەر وشەکانی پێش خۆیان. ئەگەر وشەکان بە پیتە بزوێنەکانی « ا ، ی ، ە ، ێ » تەواو بووبن ئەوا نیشانەی «...یەك» یان «...یێك»یان دەخرێتە پاڵ.

نشانەهای نکره

مانند «...یەك، ...ێك، ...ەك» به گونەی زیر با کلمات قبل از خود می‌آیند.

١- اگر کلمەای به حروف مصوّت « ا ، ی ، ە ، ێ » ختم شود نشانەی « ...یەك » یا « ...یێك » می‌گیرد. بۆ نموونە:

چیا: چیایەك، چیایێك زەوی: زەوییەك، زەوییێك

وێنە: وێنەیەك ، وێنەیێك   دێ: دێیەك ، دێیێك

٢- ئەگەر وشەکان بە پیتەبزوێنی « وو » یان هەر پیتێکی بێدەنگ تەواو بووبن ئـەوا نیشـانەی «ێك، لە سۆرانی» و نیشانەی « ەك » لە کرمانجی (کوردی باکوور) دەچێتە سەریان.

اگر کلمات به « وو » مصوّت یا هر حرف صامت دیگری ختم شوند در سورانی « ...ێـك » و در کرمانجی (کردی شمال) « ...ەك » به آن افزوده‌می‌شود.

خانوو: خانووێك (سۆرانی) ، خانووەك (کرمانجی)

گوند: گوندێك (سۆرانی) ، گوندەك (کرمانجی)

ژن: ژنێك (سۆرانی) ، ژنەك (کرمانجی)

***

١٣- چۆنیەتی نووسینی پێشگرەکانی « هەڵ ، دا ، ڕا ، وەر ، دەر » ....

١- ئەم پێشگرانە کاتێ دەچنە سەر چاوگ یان فرمان یان هەر حاڵەتێکی‌تر، پێیانەوە دەلکـێن بە مەرجێ جێناوی لکاو نەکەوتبێتە نێوان ئەم پێشگرانە و وشەکەی دوای خۆی.

چگونگی نوشتن پیشوندهای « هەڵ ، دا ، ڕا ، وەر ، دەر »

این پیشوندها در صورتی که با مصدر یا فعل یا هر نوع کلمەی دیگری بیایند به آن می‌چسبند به شرط این که ضمیر متّصلی میان این پیشوندها و کلمەی بعد از آن قرار نگیرد.

* چاوگ (مصدر):

هەڵ : هەڵگرتن، هەڵکێشان   دا : داخستن، داکردن

ڕا : ڕاکێشان، ڕاپەرین   وەر: وەرگرتن

دەر: دەرکردن، دەرهێنان

فرمان (فعل):

هەڵ : هەڵگرە، هەڵمەخە   دا : دانێ، دامەبڕە

ڕا : ڕاکێشە، ڕامەپەڕێنە   وەر : وەرگرە، وەرسووڕێنە

دەر : دەربێنە ، دەرخە

* حاڵەتی‌تر: هەڵکشاو، هەڵنەکشا، ڕاپەڕیو، ڕانەپەڕیو، وەرگرتوو، دەرخراو، دەرکراو

٢- ئەگەر جێناوی لکاو کەوتە نێوان پێشگر و فرمانەکەی دوای خۆی ئەوا بە جیا دەنووسرێن و جێناوەکە بە پێشگرەوە دەلکێنرێ.

اگر ضمیر متّصلی میان این پیشوندها و کلمەی بعد قرار بگیرد، ضمیر متصل به پیشوند می‌چسبد و جدا از کلمەی بعد نوشته‌می‌شود:

هەڵ: هەڵم گرن: هەڵ (پێشگر) + م جێناوی لکاو + گرن: وشە)

هەڵم گرن: هەڵ (پیشوند) + م ضمیر متصل + گرن: کلمه)

هەڵیان کەن، هەڵمان کێشن، هەڵمان مەواسن

دا : دامان نەنایە ، دایان خەن، دای بڕە

ڕا : ڕایان دەگرین، ڕام کێشە ، ڕام پەڕێنە

وەر : وەرمان گرتایە ، وەری نەگری، وەریان سووڕێنەوە

دەر : دەریان پەڕاندین، دەری خە

***

١٤- ڕوونکردنەوەیك لە سەر « دا » ....

ئەگەر « دا » فرمان بێت دەبێ بە جیا بنووسرێت. ئەگەر فرمان نەبێت دەلکێت بە وشەی پێش خۆیەوە.

توضیحی دربارەی « دا »

اگر « دا » فعل باشد جدا نوشته می‌شود. اگر فعل نباشد به کلمەی ماقبل خود می‌چسبد.

فرمان (فعل):

تیرێکی لە دڵم دا . تیری به دلم زد.

غەیری فرمان (غیر فعل): لە دڵمدا ، در دلم

***

١٥. چۆنیەتی نووسینی وشەی «لێکدراو» و «لێکدراو دارِێژراو»

ئەگەر وشەی دووهەم لە دۆخی فرماندا بوو، بە جیا دەنووسرێن:

بەڵام ئەگەر وشەی دووهەم لە دۆخی چاوگ یان حاڵەتیتردا بوو ئەوا هەر دوو وشەکە بە یەکەوە دەلکێنرێن.

چگونگی نوشتن کلمات «مرکب» و «مشتق مرکب»

اگر کلمەی دوم « فعل » باشد، جدا نوشته میشود.

وەك : ڕێك دەکەوین، پێکیان هێنایننەوە، پێك نەهاتین، یەکیان نەگرتووە، دەستمان نەکەوت

اما اگر کلمەی دوم اسم یا مصدر یا هر کلمەی دیگری باشد به آن میچسبد. (لازم به ذکر است در نوشتار کردی، بر خلاف فارسی، سرهمنویسی اولویت بیشتری دارد.)

بۆ نموونە: ڕێك + کەوتن: ڕێککەوتن، پێکهاتن، یەکگرتن، دەسخستن، یەکگرتوو، دەسکەوتوو، پێکهاتە.

***

١٦- نووسینی ژمارەکان لە «١١ - ١٩»

لە ژمارەکانی «١١ - ١٩» هەر ژمارەی چواردە بێ گیروگرفتی وتن و نووسینەوەیە و هیچ گۆڕین و کەم و زیادی بە سەردا نەهاتووە. هەشت ژمارەکەیتر بە دوو جۆر دەگوترێن و دەنووسرێن. لێرەدا هیچ پاکانەیەك بە دەستەوە نییە کە بگوترێت « یازدە » لە « یانزە » ڕاسترە، لەگەڵ ئەوەشدا هەر چۆنێك بێت وشەی یازدە لە یانزدە سووك و کورترە. وا لە خوارەوە بە شێوەی ساناتری ئەم ژمارانە بۆ خوێندنەوە ئاماژە دەکرێت:

نوشتن شمارەهای «١١ - ١٩»

در اعداد «١١ - ١٩» تنها عدد چهارده در تلفظ و نوشتار بیمشکل است. هشت عدد دیگر به دو صورت نوشته و خوانده میشوند. در این مورد هیچ دلیل قاطعی نیست که « یازده » را بر « یانزه » ترجیح دهیم. هر چند کلمەی « یازده » آسانتر تلفظ میشود. در زیر به شیوەی تلفظ سادەتر این اعداد اشاره میشود:

یازدە، دوازدە، سێزدە، چواردە، پازدە، شازدە، حەڤدە، هەژدە

***

۱۷. **وشەی « چ »**

هەندێك بە « چە » و هەندێك بە « چی » دەینووسن، بەڵام ئەم وشەیە بە شێوەی « چ » بنووسرێت باشترە. « چ » نابێ بلکێنرێت بە وشەکەی دوای خۆیەوە.

واژەی « چ »

بعضی به صورت « چه » و بعضی به صورت « چی » این واژه را می‌نویسند. اما اگر این واژه به صورت « چ » نوشته‌شود بهتر است. « چ » نباید به کلمه‌ی بعد از خود بچسبد.

وەك (مانند): چ ڕۆژێ، چ جارێ

***

۱۸- **پیتی « ە »**

بە تەنیایی و لە کۆتایی وشەدا دەبێ هەر بە شێوەی « ە » بنووسرێت نەك بە « ه »، بۆ ئەوەی « ه » پیتی دەنگداری بچووکی سەرەیە (فتحه) و لەبەر ئەوە نابێ (ئاه، گوناه) بە شێوەی (ئاه، گوناه) بنووسرێت.

حرف « ە »

به تنهایی و در پایان واژه باید به صورت « ە » نوشته‌شود نه به صورت « ه » زیرا « ه » همان مصوّت کوتاه فتحه است و واژه‌های « ئاه، گوناه » را به همین دلیل نباید به صورت « ئاه ، گوناه » نوشت.

***

سەرچاوەی سەرەکی ئەم بەشە بڕیاری «کۆڕی زانیاری کوردە»

منبع اصلی این بخش رأی «فرهنگستان زبان کردی» است.

خشتەی ڕێنووسی یەکگرتووی کوردی
(جدول شیوەی معیار املانویسی در زبان کردی)

ژماره	سەردێڕ، (عنوان)	چۆنیەتی نووسین (چگونگی نوشتن)	نموونەکان (مثال‌ها)
١	« و » اول واژه	هر کلمه‌ای با « و » آغاز شود با یک « و » نوشته می‌شود.	وریا وڵات
٢	نوشتن حرف « ی »	حروف « ی » (y) صامت و « ی » (î) مصوّت با هم متفاوتند و اگر این دو « ی » با هم بیایند باید هر دو « ی » را نوشت.	نییە nîye چییە زەوییەکە
٣	سه « ی » در کنار هم	در زبان کردی حداکثر سه « ی » در کنار هم می‌آیند که اولی و سومی صامت و « ی » میانی مصوّت است.	ئاواییییەکە awayîyeke
۴	« ڕ » درشت (نشانەدار)	« ڕ » درشت در هر جای کلمه که قرار بگیرد؛ یعنی، آغاز، وسط یا پایان، بهتر آن است که نشانه‌ی « ˇ » را برای آن نوشت.	ڕۆژ بڕیار کەڕ
۵	« و » ربط	« و » ربط مستقل از دو کلمه‌ی قبل و بعد خود نوشته‌می‌شود و به آن‌ها نمی‌چسبد و به صورت « وو » نیز نوشته‌نمی‌شود.	من و تۆ ئارەزوو و وریا
۶	« و » میانوند	در بعضی از کلمات غیرساده، مانند: « دەنگوباس » ، « و » میانوند به صورت بخشی از کلمه‌ی غیرساده در آمده است که مجموعاً یک واژه محسوب می‌گردد؛ در این موارد « و » به صورت مستقل نوشته‌نمی‌شود و جزئی از کل واژه است.	کاروبار ئەلفوبێ هاتوچۆ
٧	واژەی غیرساده	چه اسم باشد چه اصطلاح، باید سر هم نوشته‌شود.	بێکەس ڕێنووس

١٧. وشەی « چ »

هەندێك بە « چە » و هەندێك بە « چـی » دەینووسـن، بـەڵام ئـەم وشـەیە بـە شـێوەی « چ » بنووسرێت باشترە. « چ » نابێ بلکێنرێت بە وشەکەی دوای خۆیەوە.

واژەی « چ »

بعضی بە صورت « چه » و بعضی بە صورت « چی » این واژه را می‌نویسند. اما اگر این واژه بـه صورت « چ » نوشته‌شود بهتر است. « چ » نباید به کلمه‌ی بعد از خود بچسبد.

وەك (مانند): چ ڕۆژێ، چ جارێ

***

١٨- پیتی « ە »

بە تەنیایی و لە کۆتایی وشەدا دەبێ هەر بە شێوەی « ە » بنووسرێت نەك بە « ه »، بۆ ئەوەی « ه » پیتی دەنگداری بچووکی سەرەیە (فتحه) و لەبەر ئەوە نابێ (ئاە، گوناە) بە شێوەی (ئـاه، گوناه) بنووسرێت.

حرف « ە »

به تنهایی و در پایان واژه باید به صورت « ە » نوشته‌شود نه به صـورت « ه » زیـرا « ه » همـان مصوّت کوتاه فتحه اسـت و واژه‌هـای « ئـاە، گونـاە » را بـه همـین دلیـل نبایـد بـه صـورت « ئاه ، گوناه » نوشت.

***

سەرچاوەی سەرەکی ئەم بەشە بڕیاری «کۆڕی زانیاری کوردە»

منبع اصلی این بخش رأی «فرهنگستان زبان کردی» است.

خشته‌ی ڕێنووسی یه‌کگرتووی کوردی

(جدول شیوه‌ی معیار املانویسی در زبان کردی)

ژماره	سه‌ردێڕ، (عنوان)	چۆنیه‌تی نووسین (چگونگی نوشتن)	نموونه‌کان(مثال‌ها)
۱	« و » اول واژه	هر کلمه‌ای با « و » آغاز شود با یک « و » نوشته می‌شود.	وریا ولات
۲	نوشتن حرف « ی »	حروف « ی » (y) صامت و « ی » (î) مصوّت با هم متفاوتند و اگر این دو « ی » با هم بیایند باید هر دو « ی » را نوشت.	نییه nîye چییه زه‌وییه‌که
۳	سه « ی » در کنار هم	در زبان کردی حداکثر سه « ی » در کنار هم می‌آیند که اولی و سومی صامت و « ی » میانی مصوّت است.	ئاوایییه‌که awayîyeke
۴	« ڕ » درشت (نشانه‌دار)	« ڕ » درشت در هر جای کلمه که قرار بگیرد؛ یعنی، آغاز، وسط یا پایان، بهتر آن است که نشانه‌ی « ˇ » را برای آن نوشت.	ڕۆژ بڕیار که‌ڕ
۵	« و » ربط	« و »ربط مستقل از دو کلمه‌ی قبل و بعد خود نوشته‌می‌شود و به آن‌ها نمی‌چسبد و به صورت « وو » نیز نوشته‌نمی‌شود.	من و تۆ ئاره‌زوو و وریا
۶	« و » میانوند	در بعضی از کلمات غیرساده، مانند: « ده‌نگوباس »، « و » میانوند به صورت بخشی از کلمه‌ی غیرساده درآمده است که مجموعاً یک واژه محسوب می گردد؛ در این موارد « و » به صورت مستقل نوشته‌نمی‌شود و جزئی از کل واژه است.	کاروبار ئه‌لفوبێ هاتوچۆ
۷	واژه‌ی غیرساده	چه اسم باشد چه اصطلاح، باید سر هم نوشته‌شود.	بێکه‌س ڕێنووس

٨	« ت » پایان فعل	این گونه « ت » ها را که در پایان فعل می‌آیند هم می‌توان نوشت و هم می‌توان حذف نمود.	دێت و دەڕوات دێ و دەڕوا
٩	واژه‌های بیگانه (دخیل)	تمامی واژه‌های بیگانه‌ای که وارد زبان کردی شده‌اند و یا می‌شوند باید بر اساس نوشتار و الفبای کردی نوشته شوند.	الله: ئەڵڵا اکبر: ئەکبەر
١٠	نشانه‌های « تر ، ترین »	« تر ، ترین » برای مقایسه است و به کلمات قبل از خود می‌چسبد. نشانه‌ی « تر » نشانه‌ی صفت تفضیلی است و از نظر معنی با کلمه‌ی « تر » که در زبان کردی به معنی « دیگر » است تفاوت دارد. (تر به معنی دیگر) جدا از کلمه‌ی ماقبل خود نوشته می‌شود.	جوان: جوانتر، تر:نشانه‌ی صفت تفضیلی ماڵێکی‌تر: خانه‌ای دیگر
١١	ضمایر اشاره: ئەم ، ئەو ، ئەڤ	این ضمایر اگر قبل از قید «زمان یا مکان» بیایند به آن‌ها می‌چسبند.	ئەم+شەو = ئەمشەو
١٢	نشانه‌های نکره یەك ، ێك ، ەك	١-اگر کلمه به مصوّت‌های (ا، ی، ە) ختم شود، نشانه‌ی « ـیەک » یا « ـ ییێك» می‌گیرد. ٢-اگر کلمات به « وو » و یا هر مصوّت دیگری ختم شوند در سورانی « ـێك » و در کرمانجی نشانه‌ی « ـەک » به آن افزوده‌می‌گردد.	١- چیایەك چیاییێك زەوییەك زەوییێك ٢- خانووێك، خانووەك
١٣	شیوەی نوشتن پیشوندهای هەڵ ، دا ، ڕا ، وەر ، دەر	١-این پیشوندها اگر با مصدر یا فعل یا هر نوع کلمه‌ی دیگری بیایند به آن می‌چسبند. ٢. اگر ضمیر متّصلی میان این پیشوندها و کلمه‌ی بعد از آن قرار بگیرد، ضمیر متّصل به پیشوند می‌چسبد و جدا از کلمه‌ی بعد نوشته‌می‌شود.	١. هەڵکردن هەڵ+کردن: (مصدر) ٢- هەڵم گرن هەڵ +م: (ضمیر متّصل) دامان نەنایە هەڵ +مان: (ضمیر متّصل)

۱۴	چگونگی نوشتن « دا »	اگر « دا » فعل باشد به صورت جدا نوشته‌می‌شود و اگر فعل نباشد به کلمه‌ی قبل از خود می‌چسبد.	- فعل: تیرێکی لە دڵم دا: (تیری به دلم زد.) - لە دڵمدا: (در دلم)
۱۵	واژه‌های « مرکب » و « مشتق مرکب »	۱- اگر کلمه‌ی دوم « فعل » باشد جدا نوشته‌می‌شود. (فعل مرکب) ۲- اگر کلمه‌ی دوم اسم یا مصدر یا هر کلمه‌ی دیگری باشد به آن می‌چسبد. (اسم/صفت مرکب)	۱- ڕێك دەکەوین، پێك نەهاتین ۲- ڕێککەوتن، پێکهاتن
۱۶	نوشتن شماره‌های (۱۱ – ۱۹)	در این اعداد تنها عدد چهارده در تلفظ و نوشتن بی‌مشکل است. اعداد دیگر به دو صورت نوشته و خوانده‌می‌شوند. هیچ دلیل قاطعی نیست که « یازده » را بر « یانزه » ترجیح دهیم، هر چند کلمه‌ی « یانزه » راحت‌تر تلفظ می‌شود و کوتاه‌تر است.	یازده، دوازده، سێزده، چوارده، پازده، شازده، حەڤدە، هەژدە .
۱۷	واژه‌ی « چ »	این واژه به صورت « چ » نوشته شود بهتر است؛ ولی نباید به کلمه‌ی بعد از خود بچسبد.	چ ڕۆژێ
۱۸	حرف « ه »	به صورت تنها و در پایان واژه باید به صورت « ه » نوشته‌شود و نوشتن آن به صورت « ە » اشتباه است.	ئاه، گوناه، هاوار

نموونەی وێژەی کوردی

(نمونەهایی از ادب کردی)

بێسارانی (۱۶۴۱-۱۷۰۲)ی زایینی

مەلا مستەفا کوڕی مەلا قوتبەدینی کوڕی مەلا شەمسەدین، لەدایکبووی گوندی بێسارانە کە یەکێکە لە گوندەکانی گەورەی ناوچەی ژاوەرۆی هەورامان. لە نۆدشە و پایگەلان و سنە خوێندوویە، جگە لەوەی کە سەرەتا لە خزمەت باوکیدا دەستی بە خوێندن پێکردبوو. مەلا مستەفا پاش تەواوکردنی زانستە ئیسلامییەکان، بە مەلایەتی ژیانی بردووەتە سەر. لە تەمەنی شەستویەك ساڵیدا ماڵئاوایی لە ژیان دەکات و لە سەر وەسیەتی خۆی لە گۆڕستانی پیرەهەژارە کە دەکەوێتە بەرانبەری شاری سەوڵاوای (نێزیك شاری مەریوان) بە خاکی دەسپێرن.

باڵندەی ئەشقی بێسارانی بە سەر گوڵەباخی باڵای « ئامێنەی » پایگەلاندا هێلانەی چێکردووە، بەڵام ڕاستەوخۆ ناوی ئەو لە نێو شیعرەکانیدا ناهێنێ، بەڵکوو چەند جارێ ناوی « ئینساف »، « شیرین » و « زلێخا » دێنێ، کە ڕەنگە کینایە لە ئامێنە بێ.

لە زۆر شیعری‌تردا شاعیر بە وشەی « چراغ » و « قیبلە » ناوی دڵخوازەکەی دەشارێتەوە، ڕەنگە ئەو ناوانە هەر یەکە و خەڵکی یەکێك لەو شۆینانە بووبن کە شاعیر بە هۆی خوێندن ماوەیەك تێیاندا جێگیر بووە.

بێسارانی لە هەموو شاعیرێ زیاتر لە سەر مەولەوی ڕەنگی داڕشتووە و بەمەش پلەی بەرزی بێسارانیمان بۆ دەردەکەوێت. مەولەوی بە « سەودایی کامڵ » لە بێسارنییەوە ناو دەبات، هەروەها جێپەنجەی بێسارانی لە سەر شیعرەکانی پیرەمێرد و مەستوورەی ئەردەڵانیشەوە دیارە.

نموونەی شیعری بێسارانی:

چـــــراغم وەفـــــات چـــــراغم وەفـــــات
بـــێ بەینەتـــەنی هـــیچ نییـــەن وەفـــات
سـێ سـاڵ چـون یـەك ڕۆ مـن کێشـام جـەفات
جـەو سـێ سـاڵ جـارێ هـیچ نـەدیم وەفـات

سـی و شـەش ماهـەن جـەفات مەکێشـوو
یانـەی سـەبرم سـفت تـا کـەی بنیشـوو
قیبلـەم حیسـاب کـەر سـاعەتان چـەندەن
جـە گـرد سـاعەتی دڵ جـە لات بەنـدەن
بیسـت و پـەنج هـەزار نۆسـەد و بیسـتەن
دڵ مـەیلش بـە تـۆن هـەر تـۆش ئەویستەن
هـەزار و هەشـتا ڕۆوان بـی کامـڵ
رۆیـی مـوردام نەکـەردت حاسـڵ
ئـەر تـۆیچ مـەیلت هـەن ڕاس بواچـە پـێم
وەر نـە بـا سـاکن بـوون جـە یانـەی وێـم
***

واتای وشە دژوارەکان (معنی واژەهای دشوار):

زایینی: (میلادی)، **گوند:** (روستا)، **ناوچە:** (منطقه)، **جگە لـەوەی کـە:** (جدای از آن کـه)، **زانست:** (علم)، **تەمەن:** (سن)، **باڵندە:** (پرنده)، **چێکردووە:** (ساخته است)، **ڕاستەوخۆ:** (مستقیم)، **دڵخواز:**(معشوق)، **شایان:** (شایسته)، **ڕنگی داڕشتووە:** (مجازاً یعنی تأثیر گذاشته است)، **پلە:** (درجه)، **جێپەنجە:** (تـأثیر)، **بەینەت:** (عهد و پیمان)، **ڕۆ:** (روز)، **جەو:** (از/لەو)، **مەکێشوو:** (می کشم)، **یانـە:** (خانـه)، **سـفت:** (آتـش گرفت)، **بنیشوو:** (بنشینم)، **کەر:** (کُن)، **گرد:** (همه)، **ئەویستەن:**(خواستەاست)، **بواچە:** (بگو)

- دیوانی بێسارانی، لێکۆڵینەوە و لێکدانەوە، حەکیم مەلا ساڵح، سنە، بڵاوکردنەوەی گۆران، ١٣٧٥.

ئەحمەدی خانی (١٦٥٠-١٧٠٦ز)

خانی لە ساڵی ١٦٥٠ز لە شاری بایەزید (کوردستانی تورکیە) لە دایك بووە. بە منداڵی چووەتە حوجرەی فەقیەتی و بۆ خوێندن ڕووی کردووەتە ئەخلات و ئورفە و بتلیس و گەلێ شوێنیتر و هەروەها ڕۆیشتووەتە میسر. لەوێ ئیجازەی مەلایەتی وەرگرتووە و گەڕاوەتەوە بۆ زێدەکەی خۆی و پاشماوەی ژیانی بە وانەوتنەوە و ڕێنوێنی خەڵك بردووەتە سەر.

ئاسەوارەکانی خانی ئەمانەن:

مەم و زین: کە چیرۆکێکی دڵدارییە و بە قسەی خانی: «چیرۆکی سەربەستی گەلی کوردە»

نەوبەهار: کە فەرهەنگێکی عەرەبی - کوردییە، «یووسف و زولەیخا»، «لەیلا و مەجنوون» و «عەقیدا کوردی» لە ئاسەوارەکانی‌تری خانین کە هێشتا لە چاپ نەدراون. مەبەستی خانی لە هۆنینەوەی چیرۆکی مەم و زین دەربڕینی دەردی دڵی خۆی بووە، چونکە هەستی بە ئێش و ئۆف و داخ و پەژارەی نەتەوەکەی خۆی کردووە.

پێشەکی مەم و زین:

دا خەلق نەبێژیتن کوو ئەکراد
بێ مەعریفەتن بێ ئەسل و بونیاد
ئەنواعێ میلەل خودان کتێبن
کورمانج تەنێ دبێ حسێبن
هەم ئەهلێ نەزەر نەبێن کو کورمانج
عێشقەك نەکرن ژبۆ خوە ئامانج
ساقی تۆ ژ بۆ خودێ کەرەم کە
یەك جورعەیی مەی د جام جەم کە
دا جام بە مەی جیهان نما بت
هەرچی مە ئرادەیە خویا بت

بـــەختی مـــە ژ بـــۆ مـــەرا ببـــت یـــار

جـــارێکی ببـــێن ژ خـــاب هوشـــیار

ئـــەز مامـــە د حکمـــەتا خـــودێ دا

کورمـــــانج د دەولـــــەتا دنێـــــدا

ئایـــا بـــە چ وەجـــە مانـــە مـــەحرووم

بلجوملـــە ژ بـــۆ چ بوونـــە مـــەحکووم

گـــەر دێ هـــەبووا مـــە ســـەرفەرازەك

ســـاحب کەرەمـــەك ســـوخەن نـــەوازەك

خـــەمخۆری دکـــر ژ مەینـــەتیمان

تینانـــە دەرێ ژ دەســـت لـــەئیمان

***

زێد: (وطن)، وانەوتنەوە: (تدریس)، ڕێنوێنی: (راهنمایی)، ئاسەوار: (آثار)، چیرۆك: (داستان)، دڵداری: (عاشقانه)، سەربەست: (آزاد)، گەل: (ملت)، هۆنینەوە: (سرودن)، دەربڕین: (اظهار)، هەست:(احساس)، ئێش: (درد)، پەژارە: (بیچارگی)، نەتەوە: (ملت)، خودان: (صاحب)، تەنێ: (تنها)، نەبێن: (نگویند)، ژ: (از)، ژ بۆ: (برای)، خودێ: (خدا)، خویا: (روشن، واضح)، ئەز: (من) ژ: (از)

- مەم و زین، ئەحمەدی خانی، لێکدانەوەی پەرویزی جیهانی، ورمێ، بلاوکردنەوەی سەلاحەدینی ئەیوبی.

نالی (١٨٠٠-١٨٥٦ز) ....

نالی ناوی خدر « خضـر »ە و کوڕی «ئەحمەدی شاوەیسی ئالی بەگی میکایلییە». لە گونـدی « خاكوخوڵ » لە دەشتی شارەزوور هاتووەتە دنیاوە. دوای خوێندنی کتێبـی ئایینی و تەواوکردنی فەقێیەتی بووەتە مەلا. ئەو شوێنانەی تیایا مابووبێتەوە سنە و سـابلاغ و قـەرەداغ و هەڵەبجـە و سلێمانین.

شـەوی یەلدایـە یـا دەیجـوورە ئەمشـەو
کـە دیدەم دوور لـە تـۆ بـێ نـوورە ئەمشـەو
دڵــم وەك حــاکمی مەعزوولــە قوربــان!
خـەڵاتی وەسـڵی تـۆی مـەنزوورە ئەمشـەو
دڵــیش مایــل بــە دیــدەی تۆیــە، بۆیــە
لە من وەحشی و ڕەمیدە و دوورە ئەمشەو
کە تۆی شای کەچ کولاهی دیدەمەستان
چ بــاکم قەیســەر و فــەغفوورە ئەمشــەو
لــە خــەو هەڵســاوە یــا ئــاڵۆزە چــاوت
هەمیشــە وایــە یــا مــەخموورە، ئەمشــەو
سوروشـکم نەقشـی چـاوی تـۆ دەکێشـێ
کە جێم سەر دارەکەی مەنسوورە ئەمشەو
موســـڵمانان دەپرســـن حـــاڵی نـــالی
لــە کـونجی بێکەسـی مـەهجوورە ئەمشـەو

دەیجوور: (تاریک)، ئاڵۆز: (پریشان)، قەیسـەر: (لقـب پادشـاه روم)، فـەغفوور:(پادشـاه چـین)، سوروشك: (اشک)

- دیوانی نالی، لیکۆڵینەوەی مەلا عەبدولکەریمی مودەڕڕیس، ورمێ، بلاوکردنـەوەی سـەلاحەدینی ئـەیوبی، چاپی سێهەم ١٣٦٨.

مەولەوی (١٢٢١– ١٣٠٠)ی کۆچی مانگی ....

ناوی « سەیید عەبدوڕڕەحیم » کوڕی مەلا سەعیدە، نازناوی شیعریشی « مەعدوومی » یە، بەڵام لە ناو خەڵك و لە کۆڕی ئەدیبانا بە « مەولەوی» ناوبانگی دەرکردووە. مەولەوی لە ساڵی ١٢٢١ ك. لە دێی « سەرشاتە » لە ناوچەی « تاوەگۆز »ی کوردستانی عێراق لە دایك بووە. لای باوکی قورئان و کتێبە سەرەتاییەکانی فارسی و ڕێزمانی عەرەبی خوێندووە، پاشان بۆ خوێندن، پاوە، چۆڕ، سنە، بانە، سلێمانی، هەڵەبجە و جوانڕۆ گەڕاوە. مەولەوی موریدی شێخی سەراجەدین بووە و هەوای تەسەووف و ئەوینی عیرفانی بە شێوەیەکی بەرچاو لە ئاسەوارەکانیدا دەبینرێ. لە زانستە ئیسلامییەکاندا دەستێکی باڵای بووە. مەولەوی پەیوەندی دۆستایەتیی لەگەڵ هەندێکیتر لە یارانی خودادا بووە وەکوو: شێخ عەبدوڕڕەحمانی خالێسی تاڵەبانی و کاك ئەحمەدی شێخ.

ژیانی ئابووریی مەولەوی زۆر ناخۆش بووە، بەڵام ئەو ڕازی بووە بەو ژیانە و زۆربەی وەختی خۆی بە شێوەی دەروێشی ڕابواردووە.مەولەوی لە دوا ساڵەکانی ژیانیدا تووشی گەلێ کارەساتی ناخۆش بووە، کتێبخانەکەی سووتاوە. « عەنبەر خاتوون » ی خێزانی، کە جێگایەکی تایبەتی بووە لە دڵی مەولەویدا، مردووە. مەولەوی حەوت ساڵ پێش وەفاتی کوێر دەبێ. لە ساڵی ١٣٠٠ ك. کۆچی دوایی دەکا و لە گۆڕستانی « ئەسحابە » لە نزیکی « سەرشاتە » دەیسپێرن بە خاك.

ئـــازیز دیـــارەن، وادەی لوامـــەن
ئـــەلوەدای ئـــاخر ئەوەنامامـــەن
دەوڵەتەکـەی وەســڵ پــا نــە زەواڵــەن
جــارێو تــەر دیــدەن بــاڵات مەحاڵــەن
ســا دڵــم وەش کــەر وە ئیلتیفــاتێ
بدیـــەوە لاوە، بوینـــووت ســـاتێ
بــا بــەیو شــنۆی شــیرین ڕازەکــەت
گــۆش دەرۆ لادێ مەینــەت گازکــەت
ئــاخر ســەفەرەن ڕا خــەیلێ دوورەن
مــەنزڵ بــێ پایــان تۆشــە زەروورەن...
دینت تۆشـەی چـەم مەیلت تۆشـەی دڵ
ڕازت تۆشـەی گـۆش مەنـزڵ وە مەنـزڵ...
مــن شــەوێ ناڵــەم جــۆش ئــاوردەبۆ
ســەگی ئاســانەت بێــدار کــەردەبۆ

یــا ناســتەبۆ ســەیل دیــدەم نەفەســێ
نەسـیم گـەرد پـات بـەرۆ پـەی کەسـێ
جــەمینت زەحمــەت نیگــام کێشــابۆ
کـەڤ پــات وە خــار دیــدەم ئێشــابۆ
یــا کــەردەبۆ دڵ، دێوانــەی دڵ تــەنگ
وەخــت نیشــانەی دڵان پــەی خــەدنگ
پــەل پــەل پــەی زەوق زامــێ وە تــیرت
ئــازار دابــۆ تــای زوڵــف زەنجــیرت
... یــا نــەدا بــۆت تــۆز گــەرد پاڵاکــەت
پــەرێ سـورمەی چـەم سـفتەی باڵاکـەت
تـو بویـەر جـە مـن، مـن زوو وییـەردم
هیممــەت بـۆ هـا ژار مـەحروومیت وەردم
چەپگەرد پەی دووریت شانا مۆرەی نـەرد
وە زاهێــر «بانــە»ش وە بەهانــە کــەرد
تــا فەلــەك پیمــان وە بەهانــە بــۆ
ئــەر سـەد بانـە بـۆ، بـاز شـوکرانە بـۆ
ئــەر فرســەتش دا پــەی دڵ خــەمینت
عــومرێ دووبــارەن جـارێو تـەر دینـت
وەر ناســتش ئــازیز تــۆ وە ســڵامەت
دیــدەن دیــدار کــەوت ئــەو قیامــەت!

***

کۆچی مانگی: (هجری قمری)، ڕێزمان: (دستور زبان)، نازناو: (تخلص)، بەڵام: (اما)، سەرەتایی: (ابتدایی، مقدماتی)، ئەوین: (عشق)، ئابووری: (اقتصادی)، ڕابواردووە: (گذرانده است)، تووش: (دچار)، گەلێ: (زیاد)، کارەسات: (حادثە)، کۆچیدوایی: (آخرین سفر، مرگ)، وادە: (وعدە)، لوامەن: (رفتن من)، ئەلوەدای: (خداحافظی)، ئەوەنامامەن: (برنگشتن من)، وەش: (خوش، بدیەوە: (ببین)، بوینووت:(ببینمت)، بەیو: (بیاید)، شنۆ:(نسیم)، لادێ: (لحظەای)، دەرۆ: (بدهد)، مەینەت گازکەت: کسی کە بدبختی عشق تو او را گرفتار کردەاست)، دینت: (دیدن تو)، زانۆ: (میداند)، ئاوردەبۆ: (آوردەباشد)، ناستەبۆ: (نگذاشتە باشد)، بەرۆ: (ببرد)، پەی: (برای)، جەمین: (رخسار)، پالاً: (کفش)، پەرێ: (برای)، سفتە: (سوختە)، بویەر: (بگذر، ببخش)، وەردم: (خوردم)، شانا: (انداخت)، ناستش: (نگذاشت)

- دیوانی مەولەوی، کۆکردنەوە لێکۆڵینەوە و لێکدانەوە مەلا عەبدولکەریمی مودەڕریس، سنە، بڵاوکردنەوەی کوردستان، ١٣٧٨.

حاجی قادری کۆیی (١٢٤٠-١٣١٤ز)

ناوی حاجی قادری کوڕی مەلا ئەحمەدە:

باوکم ئەحمەد بوو ناوی فیکرم دێ   خەڵقی لادێ بوو، دایکی من فاتێ

لە ساڵی ١٢٤٠ی ك. لە دایك بووە. هەر منداڵ دەبێ کە باوکی دەمرێ. لە حەوت ساڵاندا دایکی لای مەلا ئەحمەدی خاڵۆزای حاجی، لە بەر خوێندنی داناوە. حاجی لە ساڵانی ١٢٧٠ دەچێ بۆ کوردستانی ڕۆژهەڵات و شارەکانی سەردەشت و سابڵاغ و شنۆ و تا ساڵی ١٢٧٩ لە ڕۆژهەڵاتدا دەمێنێتەوە و لەو ساڵەدا ئیجازەی مەلایەتی وەردەگرێ و دەچێتەوە کۆیە.

بە هۆی خەمخۆری حاجی بۆ خەڵکی کۆیە و کەمترخەمی خەڵك لە ئاستی ئەودا، کۆیە بەجێ دێڵێ و ڕوو دەکاتە ئەستەموڵ، پایتەختی خەلیفایەتی عوسمانی.

حاجی لە ئەستەموڵ دەبێتە مامۆستای تایبەتی کوڕەکانی بنەماڵەی « بەدرخانییەکان ». ئاشنابوون لەگەڵ ڕۆشنبیری ئەورووپا و بنەماڵەی بەدرخانییەکان بووەتە هەوێنی کوردایەتی لە نێو دەروونی حاجیدا.

حاجی شاعیرێکی مەلای بیرڕووناك بووە و تا کۆتایی ژیانی ژنی نەهێناوە:

هەر منم ئێستا وارسی عیسا   بێ کوڕ و ماڵ و بێ ژن و مەئوا

سەرەتای شیعری حاجی بە ناوەرۆکی دڵدارییەوە دەست پێ دەکا، بەڵام کاتێ کە ڕۆیشتە شاری ئەستەموڵ، بیر و باوەڕی کوردایەتی لە لا پەروەردە بوو. ئەو کارەی حاجیش ڕێچکە و ڕێبازێکی تازەی لە دنیای شیعری کوردیدا خوڵقاند. چونکە ئەگەر شیعری نەتەوەیی بەر لە حاجیش سەری هەڵدابێ، ئەوا وەکوو شیعرەکانی حاجی پێگەیشتوو نەبوون (هەر وەکوو شیعرەکانی ئەحمەدی خانی) و هیچ کامیان وەکوو حاجی وا بەدەرەتان پەرەیان بە شیعری نەتەوەیی کورد نەداوە.

تا ڕێك نەکەون قەبیلی ئەکراد   هەروا دەبنە خەرابە ئاباد

ئەنواعی میلەل لە گەورە تا چووك   خەملیوە لە ماڵێکی وەکوو بووك...

هەر کوردن ئەگەر چی پاکی مەردن   پامالی زەمانە میسلی گەردن

گەر باعیسی ئەم دەپرسی کامە　　　شەرتێکە کە بۆ هەموو تەمامە

ئەو شەرتە بە کوللی ئیتتیفاقە　　　گەر مەرعەش و وانە گەر عیراقە

***

کەمترخەمی: (بی‌توجهی)، **بنەماڵە:** (خانواده)، **هەوێن:** (مایه)، **ناوەرۆك:** (محتوا)، **ڕێچکە:** (راه)، **ڕێباز:** (طریق)، **بەدەرەتان:** (گسترده)، **پەرەدان:** (گسترش دادن)، **خەملێوە:** (آراسته شده)، **پاکی مەردن:** (همگی جوانمرد هستند.)، **پاماڵ** : (پایمال) **ئیتتیفاق:** (واژەی عربی به معنی: اتحاد و توافق)

- دیوانی حاجی قادری کۆیی، لێکۆڵینەوە: سەردار حەمید میران، کەریم مستەفا شارەزا، چاپی ئەمینداریتی گشتیی ڕۆشنبیریی لاوانی ناوچەی کوردستان، ١٩٨٦.

مەستوورەی ئەردەڵان (١٢١٩-١٢٦٣ك.م) ....

ناوی ماه شەرەف خانمی کچی ئەولحەسەن بەگی قادری و نازناوی هۆنراوەی « مەستوورە» یە. لە ساڵی ١٢١٩ی کۆچی لە شاری سنە، ناوەندی فەرمانڕەوایەتی ئەردەڵانیدا هاتووەتە دنیا. هەر لە منداڵیدا لە ماڵی باوکی خۆی دەست دەکا بە خوێندن و لە بیست و هەشت ساڵاندا شوو دەکاتە خوسرەوخانی ئەردەڵان.

لە ساڵی ١٢٦٣ی کۆچیدا بە هۆی هەندێ کارەسات و ڕووداو کە بە سەر فەرمانڕەوایەتی ئەردەڵاندا ڕووی داوە، لەگەڵ پوورزایدا حسەین قولیخانی ئەردەڵان، ناچار بووە کە بڕواتە خاکی سلێمانی و لە پاش ساڵێك، واتە لە ساڵی ١٢٦٤ی کۆچی لە تەمەنی ٤٤ ساڵیدا لە شاری سلێمانی کۆچی دوایی کردووە.

نموونەی شیعری مەستوورە:

گرفتارم بە نازی چاوەکانی مەستی فەتتانت

برینداری بە تیری سینە سۆزی نێشی موژگانت

بە زوڵف و پەرچەم و ئەگریجەکانت غارەتت کردم

دڵێکم بوو ئەویشت خستە نێو چاهی زەنەخدانت

جەنابا! عاشقان ئەمڕۆ هەموو هاتوونە پابۆست
منیش هاتم بفەرموو بمکوژن بمکەن بە قوربانت
تەشەککور واجبە بۆ من ئەگەر بمرم بە زەخمی تۆ
بە شەرتێ کفنەکەم بدوی بە تای زوڵفی پەرێشانت
لە کوشتن گەردنت ئازاد دەکەم گەر بێیتە سەر قەبرم
بە ڕۆژی جومعە بمنێژی لە لای جەمعی شەهیدانت
کەسێ تۆ کوشتبێتت ڕۆژی حەشرا زەحمەتی نادەن
ئەگەر وەك من لە ئەم دونیایە سووتابێ لە هیجرانت
هەمیشە سوجدەگاهم خاکی بەر دەرگانەکەی تۆیە
رەقیب ڕووی ڕەش بێ نایێڵێ بگا دەستم بە دامانت
لە شەرت و هەم وەفاداری خۆ تۆ مەشهووری ئافاقی
فیدای شەرت و وەفات بم چی بە سەر هات مەیلی جارانت
ئەمن ئەمڕۆ لە مڵکی عاشقیدا نادرەی دەهرم
بە ڕەسمی بەندەگی عاشق هەموو هاتوونە دیوانت
بڕۆ مەستوورە شوکرێ کە لە دەرگای پادشای داوەر
کە شۆڵەی ڕۆژی ڕووی والی دەگاتە کۆشك و ئەیوانت[1]

***

نازناو: (تخلّص)، هۆنراوە: (شعر)، ناوەند: (مرکز)، کارەسات: (حادثە)، پوورزا: (پسر عمە، پسرخالە)، کۆچی دوایی: (مرگ)، سەرپەرشتیی: (سرپرستی)، بریندار: (زخمی)، ئەگریجە: (زلف)، زەنەخدان: (چانە)، بدوی: (بدوزی)، بمنێژی: (بە خاکم بسپاری)

- دیوانی مەستورەی ئەردەڵان، کۆکردنەوە و لێکدانەوەی سدیق بۆرەکەیی، چاپی یەکەم، بانە، بڵاوکردنەوەی ناجی، ١٣٧٤.

١ . برێ لە سەرچاوەکان گومانیان لەوە کردووە کە ئەم شیعرە هی مەستوورە بێ.

مەحوی : (۱۸۳۶-۱۹۰۶ز)

ناوی مەلا محەمەد و کوڕی مەلا عوسمانی بالخییە. (بالخ دێییەکە لە ناوچەی «ماوەت»ی سلێمانی.) **حەوت ساڵان بووە نراوەتە خوێندن و لای باوکی خوێندوویەتی. بۆ خوێندن چووەتە سنە و سابلاغ و گەڕاوەتەوە سلێمانی و پاشان لە بەغدا بووە بە فەقێی زانای بەناوبانگی کورد موفتی زەهاوی و ئیجازەی مەلایەتی لای ئەو وەرگرتووە و بووە بە مەلای مزگەوتی ئیمامی ئەعزەم لە بەغدا و پاشان دەگەڕێتەوە بۆ سلێمانی. هەر بە ڕێچکەی باوکیدا ڕێگای تەریقەتی گرتووەتە بەر و بووە بە خەلیفەی شێخ بەهائەددینی کوڕی شێخ عوسمانی تەوێڵە.**

مامۆستا خاڵ ئەڵێ: «لە ساڵی ۱۸۷۴ ماوەی یەك ساڵ دوورخراوەتەوە بۆ بەغدا، لەگەڵ چەند مەلایەکی‌تر.» بەڵام ناو براو (خاڵ) هیچی لە بارەی ئەم دوورخستنەوە و هۆیەکەیەوە نەنووسیوە.

بە پێی قسەی مامۆستا سەجادی لە ساڵی ۱۸۸۳ی ز. چووە بۆ حەج. لەوێوە چووە بۆ ئەستەموول و چاوی بە سوڵتان عەبدولحەمیدی عوسمانی کەوتووە. سوڵتان ڕێزێکی زۆری لێ گرتووە و فەرمانی داوە خانەقایێکیان لە سلێمانی بۆ کردووەتەوە کە ئێستا بە خانەقای مەحوی بەناوبانگە و لەوێ تا مردن خەریکی دەرس وتنەوە بە فەقێ و بڵاوکردنەوەی ئایین و خزمەت کردن بووە. لە یەکێ لە ژوورەکانی خانەقاکەی خۆیدا بە خاك سپێردراوە.

سەر کە جۆشێکی نەبێ، من زرکەتاڵم بۆ چییە؟
دڵ کە هۆشێکی نەبێ، شیشەی بەتاڵم بۆ چییە؟
دەرد و داغێکی دەروونی گەر ببێ با ڕەنگ و ڕوو
سیس و موغبەر بێ کەماڵم بۆ جەماڵم بۆ چییە؟
تەجرەبەی عاشق بە سووتانی دەکرد ئەو زاڵمە
سەیری کەن ئێستا دەڵێ: مشتێ زوخاڵم بۆ چییە؟
پێی بە سەرما نا کە بوومە خاکی ڕێی گەردم شوکر
گەییە داوێنی، دەڵێی بای شەماڵم بۆ چییە؟
داغی سینە و پێچ و تابی دووری ئاهم خۆ هەیە
مۆر و تووڕەی ئیمپراتوور و قەڕاڵم بۆ چییە؟
دەردەدار ئەڵبەت زوبانی دەرد و حەسرەت تێ دەگا
چاوی بیماری دەزانێ، ناڵە ناڵم بۆ چییە!
حاڵە بەدحاڵی لە شوێن و، ماڵە وێرانی لە دوو
« مەحویا! » گەر ئەهلی حاڵی، حاڵ و ماڵم بۆ چییە؟

بەناوبانگ: (مشهور)، **ڕێچکە:** (راه)، **دوورخستنەوە:** (تبعید)، **ڕێز:** (احترام)، **سپێردراوە:** (در این جا به معنی مدفون شده است)، **زرکەتاڵ:** (نوعی گیاهی با میوەی تلخ، / حنظله)، **بەتاڵ:** (خالی)، **قەڕاڵ:** (پادشاه)، **تووڕە:** طرّە (موی سر)

- دیوانی مەحوی، مەلا عەبدولکەریمی مودەڕڕیس و محەمەدی مەلا کەریم، بڵاوکردنەوەی سەلاحەدینی ئەیوبی، ورمێ، ۱۳۶۷.

فایەق بێکەس (١٩٠٥-١٩٤٨ز)

لە ساڵی ١٩٠٥ لە «سیتەك» هاتووەتە دنیاوە کە دێیێکە لە باکووری ڕۆژهەڵاتی سلێمانییەوە. هەر بە منداڵی باوکی لە حوجرەی فەقێدا خستوویەتە بەر خوێندن و لە ١٩١١دا باوکی بە ئیشی میری نێردراوە بۆ خانەقین و لەوێوە بۆ بەغدا. لە بەغداوە دەینێرێ بە دوای ماڵ و منداڵەکەیدا و دەیانباتە ئەوێ و پاش ساڵێك خۆی چووە بۆ تورکیا و ئەمانی بە جێ هێشتووە. ئیتر فایەق باوکی نەدیوەتەوە. هەر لەو ماوەیەدا حەمە سەعیدی برا گەورەی لە ناو دیجلەدا دەخنکێ و دوابەدوای ئەو، دایکیشی کۆچی دوایی دەکا و فایەق دەکەوێتە لای خاڵۆی. ئەویش پاش چەند مانگێك دەمرێ و فایەق و تاهێری برا بچووکی بە بێکەسی دەمێننەوە و لە لایەن حاجی ئەمینی مامیانەوە کە لە سلێمانی بووە دەکەونە ژێر چاودێری . فایەق، وێڕای خوێندن، دەس دەکا بە جگەرە و شقارتە فرۆشتن. لە ساڵی ١٩٣٠ لە بەر کاری سیاسی دەکەوێتە بەندیخانە. لە ١٩٣٣دا دەبێتە مامۆستای قوتابخانەکانی(فێرگە) میری و هەتا ئاکامی ژینی مامۆستایی دەکا. بێکەس دوو ژنی هێناوە یەکەمیان ١٩٣٥ی ز.دا کە پاش ساڵێك مردووە و مردنەکەی کارێکی زۆری کردووەتە سەر دەروونی. لەم ژنەی کچێك و لە ژنی دووەمی دوو کچ و کوڕێکی بووە کە «شێرکۆ بێکەس»ی بەناوبانگە.

خوایە وەتەن ئاواکەی چەند دڵگیر و شیرینە
دەشتی خۆش و ڕەنگینە
ئاوی کەوسەرە خاکی گەوهەرە پڕ لە گوڵ و نەسزینە

***

سەیرانگای بەهارانی سەوزە گیای نەرم و جوانی
سەد دڵ ئەبێ حەیرانی
ئاوی کەوسەرە، خاکی گەوهەرە پڕ لە گوڵ و نەسرینە

***

شـــــاخی بــــــەفرین و بـــــــەرزە   بــــــۆ ڕابردوومـــــــان ڕەمـــــــزە
چــــــیمەنی جـــــوان و ســــــەوزە
ئـــاوی کەوســـــەرە خـــاکی گەوهـــەرە   پــــــڕ لــــــە گـــــوڵ و نەســـــرینە

***

ئــــەم شـــوێنە شـــوێنی کـــوردە   جێـــــی قارەمـــــان و گـــــوردە
لانـــــەی شــــێری نەبـــــەردە
ئـــاوی کەوســـــەرە خـــاکی گەوهـــەرە   پــــــڕ لــــــە گـــــوڵ و نەســـــرینە

***

وەتـــــەن چـــــاوی لێمانـــــــە   دەری کـــــەین لـــــە تەنگانـــــــە
حەیفـــــە بێتـــــــە وێرانـــــــە
ئـــاوی کەوســـــەرە خـــاکی گەوهـــەرە   پــــــڕ لــــــە گـــــوڵ و نەســـــرینە

***

باکوور: (شمال)، ڕۆژهەڵات: (شرق)، ئیش: (کار)، میری: (امیری، دولتی) ، چاودێری: (مراقبت)، جگەرە: (سیگار)، وێڕای:(ضمن)، شقارتە:(کبریت)،بەندیخانە:(زندان)، قوتابخانە/فێرگە:(مدرسە)، ئاکام: (پایان)، شاخ:(کوە)،ڕابردوو:(گذشتە)،ڕەمز:(نماد)،گورد :(پهلوان)،نەبەرد: (مبارز خستگی ناپذیر)، تەنگانە: (سختی)

- دیوانی بێکەس، ڕێکخستنی محەمەدی مەلاکەریم، سەقز، چاپی محەمەدی.

پیرەمێرد (١٨٦٧-١٩٥٠ز) ....

ناوی تەوفیق کوڕی مەحموود ئاغای کوڕی هەمزە ئاغای مەسرەفە، لە سالّی ١٨٦٧ی ز. لە شاری سلێمانی لە گەڕەکی گۆیژە لە دایك بووە. پاش ئەوەی بۆ خوێندن زۆربەی مزگەوتەکانی سلێمانی گەڕاوە، ڕووی کردووەتە مزگەوتەکانی بانە. لە سالّی ١٨٨٢ گەڕاوەتەوە سلێمانی و فەرمانی میری گرتووەتە دەست. لە سالّی ١٨٩٨ لەگەلّ شێخ سەعیدی حەفیددا (باوکی شێخ مەحموودی نەمر) چووە بۆ تورکیا. بۆ سالّی دوایی لەگەلّ شێخ سەعید ڕۆیشتوون بۆ مەکە بۆ حەج. لە گەڕانەوەیاندا بۆ تورکیا سەید ئەحمەدی خانەقا و وەفایی شاعیریشیان لەگەلّ دەبێ. وەفایی لە ڕێگادا کۆچی دوایی کردووە. حاجی تەوفیق لە نووسینی فارسیدا دەستێکی زۆر بالاّی بووە و وەلاّمی نامەی ناسرەدین شای ئێرانی نووسیوە کە بۆ سولّتان عەبدولحەمیدی عوسمانیی ناردبوو. ئەو وەلاّمە جوانە دەبێتە هۆی ئەوەی کە بکرێتە ئەندامی مەجلیسی عالیی ئەستەموولّ و ڕوتبەی بەگیەتی درایە. لە مەکتەبی مافیشدا بڕوانامەی ماف وەردەگرێت. لە سالّی ١٩٠٨ کە بانگەوازی مەشرووتیەت دەکرێت و مەجلیسی بالاّ تێك دەچێت، حاجی تەوفیق دەس دەکا بە کاری بریکاری (پارێزەری) و نووسین و دەرهێنانی ڕۆژنامە و گۆڤار. لەگەلّ هەلّگرتنی ئالاّی شۆڕشگێڕی لە لایەن شێخ مەحموودی مەزنەوە دەگەڕێتەوە بۆ شاری سلێمانی. لە سلێمانی دەبێ بە سەرپەرشتی ڕۆژنامەی « ژیان » لە سالّی ١٩٢٧ ڕۆژنامەی « ژین » دادەمەزرێنێ و تا دوا هەناسەی ژیانی بە ڕۆژنامەچییەتییەوە خەریك بووە. لە ١٩ی حوزەیرانی ١٩٥٠دا لە شاری سلێمانی کۆچی دوایی کردووە و لە سەر خواستی خۆی لە گردی «مامە یارە» نێژراوە. لە وەسیەتنامەکەیدا نووسیویە: «... یەگانە هیوام ئەوە بوو کە ببینم قەوم و میللەتەکەم پلەیەك لەمە بەرزتر و خوێندەوارتر و پێگەیشتووتر بن، بوو بە گرێ لە دلّما و نەمدی...»

نموونەی شیعری پیرەمێرد:

ئەم ڕۆژی سالّی تازەیە نەورۆزە هاتەوە
جەژنێکی کۆنی کوردە بە خۆشی و بە هاتەوە

چەند سالّ گولّی هیوای ئێمە پێپەست بوو تاکو پار
هەر خوێنی لاوەکان بوو گولّی ئالّی نەوبەهار

ئەو ڕەنگە سوورە بوو کە لە ئاسۆی بڵندی کورد
مــژدەی بــەیانی بــۆ گــەلی دوور و نزیــک ئــەبرد
نــەورۆز بــوو ئــاگرێکی وەهــای خســتە جەرگــەوە
لاوان بــە عەشــق ئەچــوون بــە بــەرەوپیری مەرگــەوە
وا ڕۆژ هـــەلات لـــە بەنـــدەنی بـــەرزی وڵاتـــەوە
خــوێنی شــەهیدە ڕەنگــی شــەبەق شــەوق ئەداتــەوە
تــا ئیســتە ڕووی نــەداوە لــە تــەئریخی میللــەتا
قــەڵغانی گوللــە ســنگی کچــان بــێ لــە هەڵمــەتا
پێــی نــاوێ بــۆ شــەهیدی وەتــەن شــیوەن و گــرین
نــامرن ئەوانــە وا لــە دڵــی میللــەتا ئــەژین

***

گەڕەك: (محلّه)، کاری میری: (کار دولتی، وەڵام: (جواب)، بریکار/ پارێزەر: (وکیل)، دەرهێنـان: (در این جا انتشار روزنامه)، گۆڤار: (مجله)، ئاڵا: (پرچم)، مـەزن:(بزرگ)، شۆڕشـگێڕ: (انقلابی)، دامەزراندن: (تاسیس)، حوزەیران: (تیر)، مەزن: (بزرگ)، سەرپەرشت: (سرپرست)، ڕۆژنامەچییەتی: (روزنامەنگاری)، پلەیەك: (درجه مرتبه)، گرێ: (عقده)، پێپەست: (زیر پا نهاده شده)، ئاسـۆ: (افق)، بەندەن: (بلندی/ کوه)، قەڵغان: (سپر)، سنگ: (سینه)، هەڵمەت: (حمله)

- دیوانی پیرەمێردی نەمر، محەمەد ڕەسوڵ (هاوار) سەقز، بڵاوکردنەوەی محەمەدی، ١٣٦٩.

گۆران (١٩٠٤-١٩٦٢ز)

ناوی عەبدوڵڵا و نازناوی گۆران و کوڕی سلێمانبەگی جافە لە ساڵی ١٣٢٤ کۆچی مانگی لە شاری هەڵەبجەدا لە دایك بووە. عەبدوڵڵا بەگ (گۆران) لە سەردەمی منداڵیدا لە لای باوکی خەریکی خوێندن دەبێ. پاشان دەڕواتە قوتابخانە و دوابەدوای ئەوە دەڕواتە قوتابخانەی زانستی لە کەرکوك و لەوێدا دەست دەکا بە خوێندنی زمانی عەرەبی و تورکی بەڵام بە هۆی تەنگوچەڵەمەی ڕۆژگار دەست لە خوێندن هەڵدەگرێ و بە مامۆستایی لە قوتابخانەی سەرەتایی هەڵەبجەدا دادەمەزرێ.

گۆران زۆربەی ژیانی مامۆستایەتی لە لادێیەکان ڕابواردووە و بە فارسی و عەرەبی و ئینگلیزیش ئاشنایەتییێکی تەواوی بووە. گۆران شۆڕشێکی گەورەی لە هۆنراوە و وێژەی کوردیدا بەرپا کردووە و لاسایی بوێژە کۆنەکانی نەکردووە و قاڵبی کلاسیکی تێکشکاندووە.

گۆران بە «باوکی شیعری نوێی کوردی» ناسراوە. گۆران شاعیری سروشتیشە و بە ئەوپەڕی جوانییەوە سروشتی کوردستانی وەسف کردووە. هەروەها جێی خۆیەتی ئاماژە بەوە بکرێت کە گۆران دەلاقەیەکی نوێی لە وەسف و پیاهەڵدانی ئافرەتی لە نێو شیعردا کردووەتەوە. ئەم هۆنەرە بەرزە لە ساڵی ١٩٦٢ ی زایینی بە هۆی نەخۆشی شێرپەنجە، ماڵئاوایی لە ژیان کردووە.

نموونەی شیعری گۆران:

پاییز! پاییز!
بووکی پرچ زەرد،
من مات، تۆ زیز:
هەر دوو هاو دەرد!
من فرمێسکم، تۆ بارانت،
من هەناسەم، تۆ بای ساردت،
من خەم، تۆ هەوری گریانت..
دوایی نایە: دادم، دادت،
هەرگیز، هەرگیز،
پاییز! پاییز!

پاییز! پاییز!
شان و مل ڕووت،
من مات، تۆ زیز،
هەر دووکمان جووت
هەر چەند گوڵ سیس دەبێ بگرین،
ئاڵتوونی دار ئەڕژێ بگرین،
پۆلی باڵدار ئەفڕێ بگرین،
بگرین... بگرین... چاومان نەسڕین،
هەرگیز، هەرگیز
پاییز! پاییز!

نازناو:(تخلص)، تەنگوچەڵەمە:(سختی و گرفتاری)، ڕابواردووە:(گذراندەاست)، هۆنراوە: (شعر)، وێژە:(ادبیات)، بوێژ:(شاعر)، سروشت: (طبیعت)، ئاماژە:(اشارە)، پیاهەڵدان: (مدح)، هۆنەر:(شاعر)، شێرپەنجە:(سرطان)،ماڵئاوایی:(خداحافظی)، بووك:(عروس)، پرچ:(زلف)، زیز:(ناراحت)، سیس:(پژمردە)، پۆل:(دستە)، باڵدار:(پرندە)، ئاڵتوون (طلا):(استعارە از برگ‌های زرد و رنگین درختان)، نەسڕین:(پاك نکنیم)

- دیوانی گوران، کۆکردنەوەی محەمەدی مەلا کەریم، بەغدا، چاپخانەی کۆڕی زانیاری عێراق، ١٩٨٠.

قانع (١٨٩٨-١٩٦٥ز)

لە ئاوایی « ڕیشێن » لە دوای چوارده خۆشك چاوی بە دنیا هەڵهێناوە. لە لایەن خزمێکی دوورەیانەوە کە ناوی (ئاغا سەی حسەین) و خەڵکی دێی چۆڕ بووە دەنێردرێتە فەقێیەتی لە کاتی لاوی بۆ خوێندن دەڕواتە سنە و سابڵاغ و شنۆ و هەولێر و کەرکوك و کۆیە و سلێمانی و بیارە.. شاعیر لە سەرەتاوە بە شیعری سەرزەنشتکاری دەست پێ دەکا و لە دوایی دەس دەکا بە شیعری ئایینی و دڵداری و لە دوایین قۆناغی ژیانی شیعریی شاعیر کە لە سەرەتای سییەکانەوە دەست پێ دەکا و تا کۆتایی ژیانی درێژەی هەیە، دیاردەیەکەی نەتەوایەتی بەجەرگ لە ناو شیعرەکانیدا دەبینرێ. لە ژیانیدا ورەی بەرز بووە و هەر لە سەر ورەبەرزیەشەوە بووە کە زوو زوو لە سەر ئیش و کار لابراوە. ئەو ئیشانەی کە لە درێژایی تەمەنیدا پێیانەوە خەریك بووە، بریتین لە: مامۆستایەتیی قوتابخانەی ڕەسمی، کرێکاری، مەلایی، جووتیاری و ئاشەوانی و وردەواڵە فرۆشی، بەڵام لە هەموویان زۆرتر «ئاشەوان» بووە.

لە تەمەنی ٦٧ ساڵیدا کۆچی دوایی کردووە . لە ساڵی ١٩٦٣ لە بەندیخانەی قەجەر لە تاران لەگەڵ وریای کوڕی بە هۆی سنووربەزاندنەوە دەخرێتە زیندان، ئەم شیعرەی لەو بەندیخانەیەدا وتووە:

ئاخرین ماڵی ژیانم کونجی بەندیخانەیە
ئەم کەلەپچە مەرهەمی زامی دڵی دێوانەیە
زۆر دەمێکە چاوەڕوانی زڕەزڕەی زنجیر ئەکەم
سەیری ئەم زنجیرە کەن! وەك زێوەری شاهانەیە
بووکی ئازادیم ئەوێ! خوێنم خەنەس بۆ دەست و پێی
حەڵقە حەڵقەی پێوەنم، بۆ پلپلە و لەرزانەیە
گەرچی دوژمن وا ئەزانێ من بە دیلی لاڵ ئەبم
باش بزانێ کونجی زیندانم قوتابیخانەیە
بیری ئازادیم لە زیندانا فراوانتر ئەبێ
قوڕ بە سەر ئەو دوژمنە، هیوای بە بەندیخانەیە

گرتن و لێدان و کوشتن عاميلی ئازادييە
تۆپ و شەستير و کەلەپچە، لام وەکوو ئەفسانەيە
چاوەڕوانی شۆڕشێکم عالەمێ ڕزگار بکا
ميللەتم بۆ ئەو مەبەستە، کردەوەی شێرانەيە
چەکی شۆڕشگێڕی من، نووسين و بير و باوەڕە
ڕاپەڕينە، هەڵمەتە، پڕ نەعرەتەی کوردانەيە
گەر بە ئازادی نەژيم، مردن خەڵاتە بۆ لەشم
نۆکەری و سەردانەواندن کاری نامەردانەيە
قانعم ئەمڕۆ لە زيندانا، بە ئازادی ئەژيم
سەد هەزار لەعنەت لەوەی وا نۆکەری بێگانەيە

***

خزم: (فاميل)، **سەرزەنشت کاری:** (شعر هجوی)، **دەنێردرێتە:** (فرستاده می‌شود)، **قۆناغ:** (مرحلە)، **سييەکانەوە:** (دهەی سی)، **درێژەی هەيە:** (ادامە دارد)، **ديارده:** (نشانە)، **نەتەوايەتی:** (ملی)، **بەجەرگ:** (پرشهامت)، **وەرەبەرز:** (دارای عزّت نفس)، **بريتين لە:** (عبارتند از)، **جووتياری:** (کشاورزی)، **ئاشەوانی:** (آسيابانی)، **سنووربەزاندن:** (عبور از مرز، مرز شکنی)، **بەنديخانە:** (زندان)، **کەلەپچە:** (دستبند)، **زێوەر:** (زيور)، **پێوەن:** (مفصل)، **پلّپلّە:** (نوعی زيورآلات)، **لەرزانە:** (نوعی زيورآلات)، **شەستير:** (مسلسل)، **مەبەست:** (هدف)، **چەك:** (اسلحە)، **ڕاپەڕين:** (بە پا خاستن)، **هەڵمەت:** (حملە)، **نەعرەتە:** (فرياد)، **خەڵات:** (هديە)

- ديوانی قانع، چاپی يەکەم، چاپخانەی زانکۆی سلێمانی، ١٩٧٩.

هێمن (١٩٨٦- ١٩٢١ز)

ناوی، « سەیید محەمەد ئەمینی شێخولئیسلامی موکری»ە، لە ساڵی ١٩٢١ز لە گوندی « لاچین » لە هەفت کیلوومەتری شاری مەهاباد لە دایک بووە. مامۆستا هێمن لە سەرەتای دیوانەکەیدا دەڵێ: «هەر لە منداڵییەوە خەریکی خوێندن بووم و تا پۆلی چوارەمی سەرەتاییم بە زمانی فارسی خوێند. زۆرم لێ سەخت ڕابوورد بۆ ئەوەی وشەی فارسیم نەدەزانی. لە پۆلی چوارەم بەو لاوە ڕۆیشتم بۆ قوتابخانەی زانستی ئایینی بە ماوەی پێنج ساڵان لە تەمەنی حەڤدە ساڵیدا دەستم لە خوێندن هەڵگرت و خەریکی کشتوکاڵ بووم. مامۆستا « فەوزی » بوو کە منی بە مێژوی کورد و کوردستان شارەزا کرد و ئەو منی فێر کرد کە کوردم و ڕێی نەتەوایەتی پێم پیشاندا...پەڕاوە کوردیەکانم بە هەزار کێشە لە کوردستانی عێراق بە دەست دەهێنا و دەمخوێندەوە. » هێمن لە ساڵی ١٣٢۴ کۆچی هەتاوی لە لایان « قازی محەمەد »ەوە بوو بە شاعیری نەتەوەیی کورد. پاش جوانەمەرگی کۆماری کوردستان دوای چەن ساڵ خۆشاردنەوە، دەربەدەر دەبێت و ڕوو دەکاتە کوردستانی عێراق و ژن و منداڵ بەجێ دێڵێ. « ناڵەی جودایی » بەرهەمی غەریبی شاعیرە. پاش سەرکەوتنی گەل بە سەر ڕژێمی پاشایەتی ئێران، دەگەڕێتەوە بۆ نیشتمان. مامۆستا هێمن سەرنووسەری گۆڤاری « سروە » بوو. ژیانی مامۆستا لە تەمەنی ٦٥ ساڵیدا کۆتایی پێ دێ و کۆچی دوایی دەکات.

ئەم شیعرەی لە هەرەتی لاوی لە کاتی بزووتنەوەی مەهاباد هۆنیوەتەوە:

گەرچی تووشی ڕەنجەڕۆیی و حەسرەت و دەردم ئەمن
قەد بە دەست ئەم چەرخە سپڵە نابەزم مەردم ئەمن
عاشقی چاوی کەژاڵ و گەردنی پڕ خاڵ نیم
عاشقی کێو و تەلان و بەندەن و بەردم ئەمن
گەر لە برسان و لە بەر بێ بەرگی ئەمڕۆ ڕەق هەڵێم
نۆکەری بێگانە ناکەم تا لە سەر هەردم ئەمن
من لە زنجیر و تەناف و دار و بەن باکم نییە
لەت لەتم کەن، بمکوژن، هێشتا دەڵێم کوردم ئەمن

وشە: (کلمە)، کشتوکاڵ:(کشاورزی)، شارەزا:(آگاە)، پەڕاو:(کتاب)، کۆمار:(جمهوری)، سەرنووسەر:(سردبیر)، گەل:(ملت)، گۆڤار: (مجلە)، نیشتمان:(وطن)، هەرەت: (اوج)، بزووتنەوە:(جنبش)، هۆنیوەتەوە:(سرودە است)، ڕەنجەڕۆیی: (بدبختی)، سپڵە: (نمک نشناس)، نابەزم:(شکست نمی‌خورم)، تەلان: (جایی تخت در کمر کوە)، بەندەن: (کوە)، بێ‌بەرگی: (بی‌لباسی)، بەرد:(سنگ)، ڕەق هەڵێم:(از سرما یخ بزنم)، هەرد:(کوە)

- تاریک و ڕوون، هێمن، مەهاباد، چاپخانەی سەیدیان.

ئەحمەد هەردی (١٩٢٣-٢٠٠٦ز)

ناوی ئەحمەد، کوڕی حەسەن بەگە. لە شاری سلێمانی هاتووەتە دنیاوە. خوێندنی سەرەتایی لە سلێمانی تەواو کردووە. دوای ئەوەی کە قوتابخانەی (دارولموعەلمین)ی تەواو کردووە لە ساڵی ١٩٤١ کراوە بە مامۆستای گوندێکی ناوچەی هەورامان لە ١٩٤٩ بە هۆی کاری سیاسی لە کارەکەی لابراوە لە ١٩٥٢ گەڕاوەتەوە سەر ئیش و کارەکەی. هەر لە منداڵییەوە زۆر حەزی لە شیعر کردووە. سەرەتای شیعر وتنەوەشی دەگەڕێتەوە بۆ چلەکان.

بە سەرسامی لە سەر لووتکەی بڵندی گەنجی وەستاوم!
شریتی عومری ڕابردوو وەکوو خەو دێتە بەر چاوم
شریتی چی؟ سەراپا سەرگورشتەی نائومێدیمە
فلیمی پڕ لە ناسۆری هەرەس هێنانی لاویمە
تروسکەی تیا بەدی ناکەم، سەرنجم چەندە لێ داوە
لە تاپۆی نامورادیم و خەمی ناسۆری بەو لاوە...!
ئەوی ئەوسا کە ڕووناکی ئەدا بەم ژینە شێواوە
دڵێکی پڕ لە ئاهەنگ بوو کە ئێستا پاکی ڕووخاوە...!
بەڵێ ئەوسا دڵێکم بوو کە سەرچاوەی ژیانم بوو
دڵێ مەڵبەندی ئاوات و تەوژم و تینی گیانم بوو
دڵێ گوڵزاری دڵداری و بەهەشتی خۆشەویستی بوو
وەکووو بتخانە مەیدانی بتی جوانیی پەرستی بوو
لەگەڵ هاوار و گریانی هەژارانا لە شینا بوو
لەگەڵ ناڵەی کەساسانا لە خورپە و ڕاچەنینا بوو...

نموونەیەکی تری شیعری هەردی:

فاتمە دوو چاوی مەستت پڕ تەلیسمی جوانییە
پڕ شەرابی خۆشەویستی و عارەقی یەزدانییە
بەژن و باڵاکەت نموونەی هەیکەلی یۆنانییە
لارولەنجەت مۆسیقایە، بەستەیە گۆرانییە

بووکی ڕازاوەی خەیاڵم گیانەکەم ست فاتمە
تاقە پرشنگێکی چاوت ئەوپەڕی ئاواتمە

***

گەرچی دڵداری لە خاکی ئێمەدا ئەفسانەیە
هەر بە تەنیا بۆ کوڕی خاوەن تەلار و عانەیە
گیانەکەم ئەمما دڵی من لەو دڵە شێتانەیە
بێ ئەوەی هیچ شك بەرێ کوژراوی ئەو چاوانەیە
هەر بە تەنیا خۆشەویستی شك ئەبەم، ست فاتمە
سەروەتم ناوێ، بزەی تۆ : ئەو پەڕی ئاواتمە

***

خۆشەویستی وا کە نامەی خوایە بۆ پەیغەمبەران
بەرز و ناسك، وەك هەناسەی پڕ گوڵاوی دولبەران
نەك وەکووو حەز کردنی دینار و گەوهەر پەروەران
ئەو کەسانەی بۆ قرانێ چەندە دڵیان هەڵوەران
خەلقی تر پارە پەرەستی با بکەن ست فاتمە
من بە تەنیا تۆ پەرەستی ئەو پەڕی ئاواتمە

چلەکان: (دهەی چهل)، سەرسامی: (سردرد و حیرت)، لووتکە: (قلّە)، گەنج: (جوان)، شریت: (نوار)، ناسۆر: (زخم دیر التیام)، ترووسکە: (نور ضعیف)، تاپۆ: (شبح)، مەڵبەند: (سرزمین)، تەوژم: (فشار)، تین: (گرما)، کەساسان: (افراد مسکین)، خورپە و ڕاچەنین: (جنبش و تکان)، بەژن: (قد)، هەیکەل: (مجسمه)، لارولەنجە: (حرکات ناز)، بەستە: (شعر)، ڕازاوە: (آراسته)، پرشنگ: (درخشش)، ست: (بانوی معلم)، بزە: (لبخند)

- ڕازی تەنیایی، ئەحمەد هەردی، بڵاوکردنەوەی محەمەدی سەقز، ١٩٩١.

مامۆستا

مەنسوور ڕەحمانی

مامۆستام ئەویندارە   مامۆستام خوێندەوارە
مامۆستام پەرتووکخانەس   دڵی وەکوو هێلانەس
دڕکی پێی نەزانییە   چرای ئاوەزانییە
جێگای قوتابیانە   هەر گەرم بێ ئەو هێلانە
گەڵای زەرد ئەوەرێنێ   چرۆی تازە ئەڕوێنێ
دروشمی ئەو بۆ زانین   وایە بڵێین نازانین
مامۆستام وای فێر کردم   زانینە دەوای دەردم
زانینێکی بێ وچان   تینی بێ بۆ نەڕچان
مامۆستام هەر ئەخوێنێ   وەك قوتابی ئەنوێنێ
زانین بۆ مامۆستایێك   وەك ئاوە بۆ گەڵایێك
گەر ڕۆژێك ئاوی نەبێ   وردە وردە زەرد ئەبێ
بۆ بووژانی پۆلەکان   وەرن ئەی مامۆستاکان
مێشکی خۆمان پاراو کەین   ڕیشەی نەزانی خاو کەین

***

ئەویندار: (عاشق)، خوێندەوار: (اهل خواندن و مطالعه (در اینجا))، ئاوەزانی: (عقل و خرد)، پەرتووکخانە: (کتابخانه)، هێلانە: (آشیانه)، قوتابیان: (دانش آموزان)، چرۆ: (جوانه)، ئەڕوێنێ: (می رویاند)، تین: (گرما)، دروشم: (شعار)، بێ‌وچان: (خستگی ناپذیر)، نەڕچان: (یخ‌نزدن)، بووژان: (احیا و زنده نگاه‌داشتن)، پۆلەکان: (کلاس‌ها)، مێشك: (ذهن)، پاراو: (سیراب و باطراوت)، خاو: (سست)

نموونەی وەرگێڕان بە کوردی
(نمونەی ترجمە بە کردی)
سوورەتی فاتێحە: سورەی فاتحە

بسم الله الرّحمن الرّحیم[1]

الحَمدُ لله رَبِّ العالمین[2] الرَّحمن الرّحیم[3] مالِکِ یومِ الـدّین[4] اِیّـاک نَعبُـدُ و ایّـاک نَسـتَعین[5] اِهـدِنا الصِّـراطَ المُسـتَقیم[6] صِـراطَ اَلّـذین اَنعَمـتَ عَلَـیهم غَیرِالمَغضُـوبِ عَلـیهِم وَلاالضّـآلین[7]

***

وە ناو خوا کە دەهەندە و دلۆڤانە[1]

سوپاس بۆ خوا کە ڕاهێنەری جیهانە[2] دەهەندەیە و دلۆڤانە[3] خاوەنی ڕۆژی پەسڵانە[4] ئێمە هەر تۆ دەپەرستین، پشتن هەر بە تۆ دەبەستین[5] لە ڕاستەڕێ شارەزان کە[6] ڕێی ئەوانەی کە خۆت چاکەت دەگەڵ کردوون، نەك ئەوانەی کـە وە بـەر تـووڕەیی کـەوتوون، نـە ئەوانـەش کـە لاڕێ بـوون[7]

***

بە نام خداوند بخشندەی مهربان[1]

سپاس خداوند را کە پروردگار جهانیان است[2] خدای رحمن مهربان[3] دادار روز جزا[4] تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم[5] ما را بر راه راست استوار بدار[6] راه کسـانی کـە آنـان را نواختـەای، آنـان نـە کـە از نظـر انداختـەای، و نـە گمراهـان[7]

- قورئانی پیرۆز، وەرگێڕاوی عەبدوڕڕەحمان شەرەفکەندی (هەژار)، تاران، بڵاوکردنەوەی ئیحسان، ١٣٨٠.
- قرآن کریم، ترجمە و توضیحات بهاءالدّین خرّمشاهی، انتشارات جامی و نیلوفر، تهران، ١٣٧٤.

پێشەکی گوڵستان "دیباچەی گلستان"

منّت خدای را عزّوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

شانازی بۆ خوایەك کە فەرمانبەرداری ئەو هۆی نزیکییە و سوپاس بەجێهێنانی مایەی زیادی بەخششە. هەر هەناسەیەك دەچێتە ناوەوە تازەبوونەوەیە بۆ ژیان و کە دێتە دەرەوەش حەسانەوەیە بۆ گیان. جا لە هەر هەناسەیەکا دوو بەخشش هەیە و بۆ هەر بەخششێ سوپاسێ پێویستە.

از دست و زبان که برآید | کز عهده ی شکرش به در آید
بنده همان به ز تقصیر خویش | عذر به درگاه خدای آورد
ور نه سزاوار خداوندیش | کس نتواند که به جای آورد

بە دەست و زمان کێ دەتوانێ کێ | سوپاسی خوایی کە بێنێتە جێ
بەندە وا چاکە لەبەر سستی لە خۆی | بیانوو خواهی کا لە دەرگانەی خودا
وەر نە شایانی خوایی ئەو ئەبێ | کێ لە ڕووی ڕاستیوە بۆی بکرێ ئەدا؟

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده. پردەی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفەی روزی به خطای منکر نبرد.

بارانی بێپایانی ڕەحمەتی لە هەر شوێنێ بە خورووژم و بەتاوە و خوانی نیعمەت و بەخشایشی لە هەر جێیەك ڕاخراوە. پەردەی شەرم و حەیای بەندەگانی خۆی بە گوناه نادرێت و مووچەی مووچەخورانی خۆی بە سووچ و تاوان نابرێت.

ای کریمی که از خزانه ی غیب گبر و ترسا وظیفه خور داری
دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمن این نظر داری
ئەی کەریمێ لە گەنجی پەنهانی مووچە خۆرت هەیە لە گاور و جوو
دۆستانت لە کوێ ئەکەی بێ بەش کە بە دوشمنت هەتە نیگاه و ڕوو[1]

چوارێنەکانی خەییام (رباعیات خیّام)

دو رباعی از خیّام (دوو چوارێنە لە خەیام)

از آمدن و رفتن ما سودی کو لە هاتنمان و چوونمان سوو کوانێ؟
وز تار امید عمر ما پودی کو بۆ تەونی هیوا تای دەزوو کوانێ؟
چندین سر و پای نازنینان جهان لە ناو چەمبەرەی چەرخا هەزاران
می سوزد و خاک می شود دودی کو؟ گیان سووتا و خۆڵی بە با چوو کوانێ؟[2]

***

این کوزه چو من عاشق زاری بوده است ئەم گۆزە وەکوو من بووە دڵدار و هەژار
در بند سر زلف نگاری بوده است جارێکی دڵی خۆش بووە سەد جار خەمبار
این دسته که بر گردن او می‌بینی ئەو هەنگڵ و دەسگرەی لە ملیا دیوتە
دستی است که بر گردن یاری بوده است دەستێ بووە زۆر خراوەتە سەر ملی یار[3]

***

١- گوڵستانی سەعدی، وەرگێڕاوی مستەفا سەفوەت، بانە، چاپی ناجی، ١٣٧١ه.

٢- وەرگێڕاوی مامۆستا گۆران: دیوانی گۆران، بەرگی یەکەم، بەغدا، چاپخانەی کۆڕی زانیاری عێراق، ١٩٨٠.

٣- چوارێنەکانی خەییام، وەرگێڕاوی هەژار، چاپی دووهەم، تاران، بڵاوکردنەوەی سروش ١٣٧٠ه.

سەربەخۆیی زمانی کوردی و جیاوازی لە گەڵ فارسی

(مستقل بودن زبان کردی و تفاوت آن با فارسی)

نزیکترین زمان بە زمانی کوردی زمانی فارسییە و ڕەنگە ئەمە بوویێتە هۆی هەڵەی ئەو کەسانەی کە زمانی کوردییان بەشێك لە زمانی فارسی زانیوە. زمانی کوردی زمانێکی سەربەخۆیە و بەشێك یا لقێك لە هیچ زمانێکی دیکە نییە، بۆ مسۆگەربوونی ئەم قسەیە نیازمان بە بەڵگەی زانستییە کە بەختەوەرانە ئەم بەڵگانە زۆرن و لێرە بە چەند نموونە لە گرینگترینەکانیان ئاماژە دەکرێ:

ڕەنگە: (شاید)، هۆ: (دلیل)، هەڵە: (اشتباه)، سەربەخۆ: (مستقل)، لق: (شاخه)، مسۆگەربوون: (اثبات)، بەڵگە: (سند)، زانستی: (علمی)، بەختەوەرانە: (خوشبختانه)، بەڵگە: (سند)، گرینگ: (مهم)، ئاماژە: (اشاره)

هەر زمانێك لە چەندین ئاستی جۆراجۆر لێك دەدرێتەوە وەکووو :

١- دەنگناسی (فۆنۆلۆژی) و واچناسی(phonology)

٢- ڕێزمان، کە دەبێتە دوو بەشەوە: ڕستەناسی (سینتاکس /نەحو) و وشەناسی (مۆرفۆلۆژی /سەرف)

٣- واتاناسی (semantic / معنی‌شناسی)

١- چەند نموونەی جیاوازی زمانی فارسی و کوردی لە باری واچناسییەوە((phonology) :

(چند نمونه از تفاوت‌های زبان فارسی و کردی از نظر واج‌شناسی):

زمانی کوردی ٣٧ (فۆنیم)ە و زمانی فارسی ٢٩ فۆنیم.

دەنگدارەکانی(مصوّت) زمانی کوردی (٨)ن و دەنگدارەکانی زمانی فارسی (٦)ن .ئەم واچانەی (فۆنیم) زمانی کوردی : « ڤ V » ، « ڕ » ، « ڵ » ، « بزرۆکە » (i) و « ۆ » لە فارسیدا نین .

ئاست: (سطح)، **لێكدەدرێتەوە:** (بررسی می‌شود)، **ڕێزمان:** (دستور)، **دەنگناسی:** (آواشناسی)، **واچناسی:** (واج‌شناسی)، **واتاناسی:** (معنی‌شناسی)، **پیت:** (حرف)، **واچ (فۆنیم):** (واج)

٢- **نموونەی جیاوازی ڕێزمانی** (نمونەی تفاوت دستوری):

فرمانی تێنەپەڕ (فعل ناگــذر) **لە زمانی کوردی لە قەوارەکانی** (صیغه) **٥ و ٦ دا وەکوو یەکن:**

فارسی: آمدم، آمدی، آمد، آمدیم، آمدید، آمدند

کوردی: هاتم، هاتی، هات، هاتین، هاتن، هاتن

کردار (فرمان):

لە زمانی فارسیدا لە بواری پێکهاتەوە سێ جۆر « کردار » مان هەیە:

١- کرداری سادە: گرفت

٢- کرداری لێکدراو: قرض گرفت، در جملەی «سیروان کتاب‌ها را قرض گرفت.»

٣- کرداری پیشگردار: برگرفت

بەڵام لە زمانی کوردیدا سەرەڕای ئەم سێ جۆر کردارە « کرداری پاشگردار » یش هەیە، وەکوو کرداری « هاتەوە » ەوە = پاشگر

کرداری سادە : هات — کرداری لێکدراو : من ئێوەم خۆش دەوێت.

کرداری پێشگردار : دەرهات — کرداری پاشگردار: هاتەوە، (ەوە = پاشگر)

کردار/فرمان: (فعل)، **پێکهاتە:** (ساختار)، **کرداری لێکدراو:** (فعل مرکب)، **کرداری پیشگردار:** (فعل پیشوندی)، **سەرەڕای :** (علاوه بر)، **کرداری پاشگردار:** (فعل پسوندی)

٣- **نموونەی جیاوازی لە باری واتاناسییەوە**(semantic)(نمونەی تفاوت از نظر معنی‌شناسی):

زمانی کوردی هەزاران وشەی جیاوازی لە بەراورد لەگەڵ فارسیدا هەیـە. بـە ڕای پرۆفیسـۆر خەزنەدار: پەنجا و یەك لە سەدی(٥١/.) زمانی کوردی پەتییـە.بیسـت و نـۆ لـە سـەدی(٢٩/.) لەگەڵ زمانە ئێرانییەکان وەکوو: فارسی و بەلووچی، هاوبەشە. سێزدە لە سـەدی (١٣/.) لەگـەڵ زمانە هێندوو ئێرانییەکان وەکووو هێندی و سانسکریت و هەفت لە سەدیشی(٧/.) لە گەڵ زمانـە هێندوو ئەورووپییەکان وەکوو ئینگلیسی، ئاڵمانی و... هاوبەشە.

وشە: (واژه)، **بەراورد:** (مقایسه)، **پەتی:** (خالص)، **هاوبەش:** (مشترک)

دیالێکتەکانی زمانی کوردی (گویش‌های زبان کردی)

دیالێکت (گویش): شێوەگەلێك لە یەك زمان کە لە باری دەربڕین (تلفّظ) و ڕێزمان و وشەوە لەگەڵ شێوەکانی‌تر جیاوازە. بۆ وێنە، کوردی ناوەڕاست (سۆرانی) و کوردی باکوور (کرمانجی) لە بەراورد لە گەڵ یەکدا دوو دیالێکتی جیاوازن.

دەربڕین: (تلفظ کردن)، **بۆ وێنە:** (به عنوان مثال)، **باکوور:** (شمال)، **بەراورد:** (مقایسه)

زاراوە (لهجه): بە شێوەگەلێك لە یەك زمان دەگوترێت کە تەنیا لە باری دەربڕینەوە لەگەڵ ئەو شێوەکانی‌تر جیاوازی هەیە، وەکوو ئەو جیاوازییەی کە لە نێوان دوو زاراوەی سۆرانی ئەردەڵانی و سۆرانی موکریانیدا هەیە. وەکوو: بووگە، بووە

دیالێکتەکانی زمانی کوردی بریتین لە:

١- **کوردی باکوور** (شمال) یا کرمانجی ژووروو)

٢- **کوردی ناوەڕاست** (کرمانجی ناوەڕاست / سۆرانی)

٣- **کوردی باشوور** (جنوب)

٤- **هەورامی_زازایی** (لە ڕاستیدا یەکێ لە زمانەکانی کوردییە)

١- **کوردی باکوور** (کرمانجی):

لە ناوچەگەلی کوردستانی تورکیا، کوردستانی سووریا، باکووری کوردستانی عێراق (لە ناوچەگەلی دهۆك، زاخۆ) و کوردستانی ئێران، لە ناوچەگەلی ورمێ، ماکۆ و سەلماس و هەروەها کوردەکانی ئەرمەنستان و ئازەربایجان و باکووری ڕۆژهەڵاتی ئێران لە ناوچەگەلی قووچان و شیروان و بجنوورد.

زاراوەکانی کوردی باکوور: شەمدینانی، بەهدینانی، حەکاری، بۆتانی، جزیری، ڕۆژئاوایی.

٢- **کوردی ناوەڕاست** (سۆرانی):

لە ناوچەکانی هەولێر، سلێمانیە، کەرکووك لە کوردستانی عێراق، مەهاباد، بانە، سەقز، مەریوان، سنە، جوانڕۆ لە کوردستانی ئێران.

زاراوەکانی کوردی ناوەڕاست (سۆرانی):

سۆرانی سلێمانی، سۆرانی موکریانی، سۆرانی گەرمیانی، سۆرانی ئەردەڵانی

٣- کوردی باشوور: ....

لە ناوچەکانی خانەقین، مەندەلی و بەدرە لە کوردستانی عیراق، ناوچەی کولیایی و کرماشان و لوڕستان و ئیلام لە کوردستانی ئێران .

زاراوەکانی کوردی باشوور:

لوڕی، کەڵهوڕی، لەکی، فەیلی، مامەسەنی، بەختیاری، کۆهکیلوویەیی.

لوڕی یەکێ لە زاراوە ڕەسەنەکانی زمانی کوردییە، بەڵام ئەم پرسە دێتە ئاراوە کە بۆچی ئێستاکە بڕێك لە لوڕەکان خۆیان بە کورد نازانن؟

لە وەڵامدا دەتوانین ئاماژە بە چەند هۆکاری جۆربەجۆر بکەین، وەکوو: دووربوونیان لە چەقی کوردستان و نەبوونی پەیوەندی لەگەڵ کوردەکانیتر، بەشدارنەبوونیان لە بزووتنەوەی هاوچەرخی کوردی، جیاوازی ئایینزاکەیان لەگەڵ ئایینی کوردانیتر و عەشیرەگەری.

ناوچە: (ناحیه)، ڕەسەن: (اصیل)، هۆکار: (عامل)، دێتە ئاراوە: (مطرح میشود)، چەق: (مرکز)، بزووتنەوە: (جنبش)، جیاوازی: (تفاوت)، ئایینزا: (مذهب)، هاوچەرخ: (معاصر)

٤- هەورامی- زازایی: ....

سەرەڕای دووری شوێنی نیشتەجێبوونی هەورامییەکان و زازاییەکان لەیەکچوونێکی زۆر لە نێوان هەورامی و زازاییدا هەیە و لە بەراورد لە گەڵ یەکدا وەکوو دوو زاراوە دێنە ئاراوە. لە هەموو ئەو پەرتووکانەی کە لە سەر دیالێکت و لقەکانی زمانی کوردیدا نووسراون ئاماژە بە ناوی « گۆران » وەکوو یەکێ لە چوار دیالێکتی زمانی کوردی کراوە مەبەستیشیان لە گۆران هەورامی و زازایی بووە. بەڵام، بە کارهێنانی وشەی گۆران تەنیا بۆ هەورامی و زازا هەڵەیەکی باوە. لە کوردستاندا چەندین دیالێکت و زاراوەیتر هەن کە خۆیان بە گۆران دەزانن، وەکوو: زۆر گوندی دەور و پشتی کرماشان کە بە زاراوەی کەڵهوڕی قسە دەکەن یان زۆر شوێنی دەور و پشتی شاری سنە کە سەرەڕای ئەوەی کە بە سۆرانی قسە دەکەن خۆیان بە گۆران دەزانن و بە ناوی گۆرانەوە خۆیان

ناوزەد دەکەن.[1] خاڵێکی گرنگی‌تر ئەوەیە کە هەورامی و زازایی سەرەڕای ئەوەی کە بەشێکی نەتەوەی کوردن لە بواری زمانەوانییەوە لە چاو ئەو دیالێکت و زاراوەکانی‌تری کوردیدا تا ڕادەی زمانبوون دوور کەوتوونەتەوە و لە بواری زمانەوانییەوە دەبێ وەکوو یەکێ لە زمانە کوردییەکان ناو ببرێن[2].

زازایی[3] لە ناوچەی «درسیم» (بینگوول) و «خارپووت» و «مووش» لە کوردستانی تورکیا و هەورامی لە ناوچەی هەورامانی ئێران و عێراق و کاکەییەکانی (ئەهلی حەق) بناری دالاهۆ لە ناوچەی سەرپولی‌زەهاو و «شەبەك»ەکانی لای مووسڵ و زەنگەنەییەکان.

زاراوەکانی هەورامی[4]: هەورامانی تەخت، لەهۆن، ژاوەرۆ

سەرەڕای ئەوە: (علاوه بر)، **نیشتەجێبوون:** (سکونت)، **لەیەکچوون:** (شباهت)، **ئاماژە:** (اشاره)، **سەرەڕای ئەوە:** (علاوه بر)، **هەڵەیەکی باوە:** (اشتباه رایج)، **لە چاو:**(در مقایسه با)

زمانی پێوەر (زبان معیار)

زمانی پێوەر یان زمانی ئیستاندارد بە واتای هەڵبژاردنی دیالێکتێکە لە دیالێکتەکانی زمانێك بۆ دروستکردنی زمانێکی هاوبەش لە نێوان یەك نەتەوەدا، بۆ وێنە هەڵبژاردنی فارسی تاران لە نێوان ئەو دیالێکتەکانی‌تر وەکوو: قومی، ئیسفەهانی و مەشهەدی.

بە واتای: (به معنی)، **هەڵبژاردن:**(انتخاب)، **نەتەوە:** (ملت)

---

١. (وەکوو « دیواندەرە »ییە ڕەسەنەکان، یان گوندی « ماموّخ » لە سی کیلوومەتری باکووری شاری سنە، یان گوندی « گرگر » لە نێوان شاری سنە و کامیاران و ...).

٢. بۆ زانیاری زۆرتر بڕوانە کتێبی **ئاوڕێن (کۆمەڵە وتارێك سەبارەت بە وێژەو زمانی کوردی هەورامی)**، مەنسوور ڕەحمانی، سلێمانی ٢٠١٠.

٣. ناوەکانی‌تری زازایی بریتین لە: «دملکی»، «کوردکی»، «کرمانجکی».

٤. خودی هەورامییەکان بۆ پێناسە کردنی خۆیان وشەی **«هۆرامی»** بە کاردێنن نەك هەورامی. لە ڕاستیدا بە کارهێنانی وشەی هەورامی لە لایان کەسانی غەیرە هەورامییەوە بووەتە باو.

- چۆن دیالێکتێک هەڵدەبژێردرێت و دەبێتە زمانی پێوەر

(چگونگی انتخاب یک گویش به عنوان گویش معیار)

۱- **دەسەڵاتی ڕامیاری:** دەسەڵاتی ڕامیاری گرنگترین هۆکاری دروستبوونی زمانی پێوەرە و ئەو دەسەڵاتە دیالێکتێك دەسەپێنێتە سەر هەموو دیالێکتەکانیتر و دەیکاتە زمانی پێوەر.

۲- **کتێبێکی ئایینی پیرۆز:** وەکوو قورئان کە بە دیالێکتی قورەیش نووسراوە و بووەتە زمانی پێوەری هەموو هۆز و دیالێکتەکانیتری زمانی عەرەبی.

۳- **شاکاری ئەدەبی:** وەکوو «بەهەشتی ونبوو»ی جان میلتون یا بەرهەمەکانی شێکسپییر، کە دوو سەرچاوەی زمانی ئینگلیزی پاراون کە دیالێکتەکانیتری زمانی ئینگلیزی خۆیان بە شێوەوتنی ئەو کتێبانە نزیك کردووەتەوە. کتێبی «دۆن کیشۆت»ی «سێروانتس» کە شاکارێکی ئەدەبی بە زمانی ئیسپانییە و ئەو دیالێکتەکانیتری زمانی ئیسپانی خۆیان بە شێوەوتنی ئەو نزیك کردووەتەوە.

۴- **ئەلفوبێی یەکگرتوو:** بۆ وێنە تا ئێستا بۆ زمانی کوردی ئەلفوبێیەکی هاوبەش کە هەموو کوردەکان پێی بنووسن نییە. ئێستا کوردی بە هەر سێ خەتی لاتین، سیریلی و عەرەبی دەنووسرێت.

۵- **نووسینی ڕۆژنامەو گۆڤار بە یەکێ لە دیالێکتەکان**

دەسەڵات:(قدرت)، **ڕامیاری:** (سیاسی)، **دەسەپێنێتە:** (تحمیل می کند)، **پیرۆز:** (مقدس)، **هۆز:** (قبیله)، **ون:**(گم)، **بەرهەم:**(اثر)، **سەرچاوە:** (منبع)، **پاراو:** (با طراوت در اینجا فصیح)، **یەکگرتوو:** (متحد)

سەرچاوەکانی ئەم بەشە (منابع این بخش):

- **زمانی کوردی و دابەشبوونی جوگرافیایی دیالێکتەکانی**، فواد حەمە خورشید، بەغدا چاپخانەی آفاق عربیە،۱۹۸۵.
زمانێکی کوردی هاوبەش، د.مێهرداد ئیزەدی، وەگێڕانی محەمەد حەمە سالح تۆفیق، **گۆڤاری ئێستا**، ژمارەی ۱۹، ساڵی ۱۳۹۹.
- **سەلیقەی زمانەوانی**، حوسێن محەمەد عەزیز، سلێمانی، چاپ و پەخشی سەردەم، ۱۹۹۹.
- **زمانی یەکگرتووی کوردی**، جەمال نەبەز، ئاڵمانیا، یەکیەتی نەتەوەیی خوێندکارانی کورد، ۱۹۷۶.
- **مێژووی ئەدەبی کوردی**، مارف خەزنەدار، بەرگی یەکەم، هەولێر، چاپ و بڵاوکردنەوەی ئاراس، ۲۰۰۱.
- **بررسی زبان، جورج یول**، (The study of language george yule)، ترجمەی محمود نورمحمدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات رهنما، ۱۳۸۰.

کورتە ئاوڕێك لە سەر ڕێزمانی کوردی

(نگاهی گذرا به دستور زبان کردی)

ڕستە (جملە) ....

- ڕستە (جملە): دارا سێوێکی خوارد.

- ڕستەی لێکدراو (جملەی مرکب) : تا دارا هاتەوە بۆ ماڵ، سارا سێوەکەی خوارد.

- ڕستەی پرس (جملەی پرسشی): بۆ کوێ دەچی؟

- ڕستەی سەرسوڕمان (جملەی تعجبی): ئەو گوڵە چەن جوانە!

- ڕستە ی ڕاگەیاندن (جملەی خبری): پەروین چوو بۆ مەدرەسە.

- ڕستەی ڕاگەیاندنی ئەرێنی (جملەی خبری مثبت): ئاوی ڕووبارەکە وشك بوو.

- ڕستەی ڕاگەیاندنی نەرێنی (جملەی خبری منفی): ئاوی ڕووبارەکە وشك نەبوو.

- ڕستەی فەرمانی یان داخوازی (جملەی امری): هەستە، بڕۆ.

فرمان (فعل) ....

- فرمان (فعل) : شیرین دەچێت بۆ کەرکووك.

- فرمانی تێپەڕ (فعل گذرا): تۆ کۆترەکەت گرت.

- فرمانی تێنەپەڕ (فعل ناگذر): کۆترەکە فڕی.

- فرمانی کارا دیار (فعل معلوم): ئازاد پەنجەرەکەی شکاند.

- فرمانی کارا نادیار (فعل مجهول): پەنجەرەکە شکێنرا.

- ڕەگی فرمان (بن فعل): بەستن (بەست).

- فرمانی ڕابردوو (فعل ماضی): دەرگاکەم داخست.

- **فرمانی ئێستا (فعل مضارع): دەرگاکە دادەخەم.**[1]

- فرمانی داخوازی (فعل امر): دەفتەرێکم بۆ بهێنە.

- فرمانی تاك (فعل جمع): هاتم.

- فرمانی کۆ (فعل مفرد): هاتین.

ناو (اسم)

- **ناو (اسم) : شاهۆ**

- **ناوی سادە (اسم سادە): دەست، گەڵا**

- **ناوی دارِژاو (اسم مشتق): زانا، دەستەك**

- **ناوی لێکدراو (اسم مرکب): گەڵاتوو، مێرگەسوور**

- **ناوی تایبەتی (اسم خاص): فەرهاد، کەرکوك**

- **ناوی گشتی (اسم عام): شار، خانوو، گوڵ**

- **ناوی بەرجەستە (اسم ذات): نان، گۆشت**

- **ناوی مەعنەوی: (اسم معنی): ئاشتی، داهێنان، هێز**

- **ناوی ناسراو: (اسم معلوم): باخەوانەکە، ئاسنگەرەکە، قوتابییەکە**

- **ناوی نەناسراو (اسم مجهول): پیاوێ هات.**

- **ناوی تاك (اسم مفرد): پەرتووك، تۆپ**

- **ناوی کۆ: (جمع): پەرتووکەکان، تۆپگەل**

---

[1] . لە زمانی کوردیدا بۆ پیشاندانی کاتی ئێستا و داهاتوو یەك جۆرە کردار بە کاردەهێنرێت. بۆ دەرخستنی جیاوازی نێوان فرمانی ئێستا و داهاتووش لە «ئاوەڵفرمان»(قید) کەڵك وەردەگرین.

بۆ نموونە: لە رِستەی: «دووبەیانی دەچم»(پس‌فردا می‌روم). «دووبەیانی» ئاوەڵفرمانە و «دەچم» لێرەدا بە هۆی ئاوەڵفرمانی «دووبەیانی»یەوە کاتی «داهاتوو»(آیندە) پیشان دەدات. بەڵام، فرمانی «ئێستا دەچم» بە تەنیایی و بە بێ ئاوەڵفرمان، کاتی «ئێستا» (مضارع) پیشان دەدات.

جێناو (ضمیر)

- جێناو (ضمیر): ئەو، تۆ

- جێناوی کەسیی سەربەخۆ (ضمیر شخصی منفصل): من، تۆ، ئەو، ئێمە، ئێوە، ئەوان

- جێناوی کەسیی لکاو (ضمیر شخصی متصل):

کتێبەکەم، کتێبەکەت، کتێبەکەی کتێبەکەمان، کتێبەکەتان، کتێبەکەیان

- جێناوی نیشانە (ضمیر اشارە): ئەمە جوانە. ئەوە بسێنە.

- جێناوی پرس (ضمیرپرسشی): کام بوو؟ چ دەیژیت؟

ئاوەڵناو (صفت)

- ئاوەڵناو (صفت): کۆتری سپی، کوردی تێکۆشەر

- ئاوەڵناوی چۆنی (صفت بیانی): ئاوی پاك، ئێوەی دڵسۆز

- ئاوەڵناوی چۆنی پلەی بەراورد (صفت تفضیلی): ڕێگای پانتر، گوڵی جوانتر

- ئاوەڵناوی چۆنی پلەی باڵا (صفت عالی): پانترین ڕێگا، جوانترین گوڵ

- ئاوەڵناوی پرس(صفت پرسشی): چ گۆشتێك دەخۆی؟ کام دیمەنت پێ جوانە؟چەند مریشکت کڕی؟

- ئاوەڵناوی نیشانە (صفت اشارە): ئەم کتێبـــە، ئەو کتێبـــە

چاوگ: (مصدر)

ئەو پاشگرانەی کە لە زمانی کوردیدا چاوگیان لێ دروست دەبێ ئەمانەن:

- بزرۆکە+ ن : گرتن(girtin)، مردن

- ین: کڕین، سڕین

- وون: چوون

- ان: سووتان، کێڵان

ئاوەڵفرمان (قید)

- ئاوەڵفرمان (قید) : دوێنێ بەفر باری. کۆترەکەم لە ناو هێلانەکەیدا گرت.

- ئاوەڵفرمانی کات (قید زمان) : پار، ئەمساڵ، لەمەولا

- ئاوەڵفرمانی شوێن (قید مکان) : مناڵەکە لە سەر بان نووست.

کارا : (نهاد)

شاهۆ چوو بۆ زانکۆ.

بەرکار (مفعول)

کوردستانم خۆش دەوێ.

تەواوکەر (متمم)

من لە تاریکی ناترسم. من بۆ نیشتمانم تێدەکۆشم.

ئامرازی پەیوەندی (حرف ربط)

وەکوو: و، کە، تا، ئەگەر، بەڵام، یان و ...

سەرچاوەکان (منابع):

- **ڕێزمانی کوردی**، ئەوڕەحمانی حاجی مارف، بەرگی یەکەم (وشەسازی)، سلێمانی، ئۆفسێتی تیشک، ٢٠٠١.
- **زمان و ئەدەبی کوردی**، پۆلی دووهەمی ناوەندی، کۆماری عیراق، وەزارەتی پەروەردە، ١٩٩٩.
- **زمان و ئەدەبی کوردی**، پۆلی سێهەمی ناوەندی، کۆماری عیراق، وەزارەتی پەروەردە، ١٩٩٩.
- **زمان و ئەدەبی کوردی**، پۆلی یەکەمی ناوەندی، کۆماری عیراق، وەزارەتی پەروەردە، ١٩٩٩.
- دستور زبان کردی، احمد قاضی، ارومیه، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی، ١٣٦٧.

نموونەی پەندی پێشینیان (ضرب‌المثل)

- پەندی پێشینیان نەخشی دیوارە.

ضرب‌المثل چون نقش بر دیوار (سنگی) ماندگار است.

- بەخ مەکە یەخ ئەکەی.

از مصیبت دیگران خوشحال نشو تا تو نیز گرفتار نشوی.

- بەرگم پەلاس بێ، هاودەمم ڕاس بێ.

حاضرم لباس از جنس پلاس را بر تن کنم به شرط این که همنشینم خوب باشد.

- پیرت نەبۆ لووە پیرێوە پسانە (پیرت نەبێ بڕۆ پیرێ بسێنە)

اگر پیری (انسان دانا و باتجربه) نداری باید پیری بخری.

- خۆر لە زینت نەدا.

آفتاب بر زینت نزند. (همیشه سوار باشی و هیچ گاه زین اسبت خالی نباشد.)

- ژنی مەردان لە بن بەردان.

زن مردان بزرگ، زندگی زیر سنگ را هم تحمل می کنند.

- ڕێوی گەڕیدە لە شێری نووستوو باشترە.

روباه هرزه‌گرد از شیر خوابیده بهتر است.

- شەڕ لە شێف و ئاشتی لە خەرمان.

دعوا هنگام کشت و صلح هنگام برداشت.

اول همه‌ی اختلافات را حل کنیم تا در هنگام نتیجه و محصول نزاعی نداشته باشیم.

- کاسەی بێ سەر پووشش گنۆنە (کاسەی بێسەر پووشی تێ ئەکەوێ)

کاسه‌ای که بی سر باشد خاشاکی در آن خواهد نشست.

- کەرە دێزە ئەڵێ بەشکەم بمرم خاوەنەکەم زەرەرکا.

خر سیاه می‌گوید: کاش می‌مردم تا صاحبم ضرر کند.

- کردە پەشیمان نە نەکردە پەشیمان.

پشیمانی پس از تلاش، بهتر از ندامت بی‌کوشش است.

- وتیان وشتر کەما هات وتی باری من هەر چل منە.

به شتر خبر رسید که علف آوردند گفت بار من همان چهل من است.[1]

- باخەوان لە وەخت هەنگوورا گوێچکەی ناژنەوێ.

باغبان در فصل انگور خود را به ناشنوایی می‌زند.

- ئاگر بە ئاگر ناکوژێتەوە.

آتش با آتش خاموش نمی‌شود. (خشونت با خشونت از بین نمی‌رود.)

سەرچاوەکان (منابع):

- **پەندی پێشینیان**، شێخ محەمەد خاڵ، سلێمانی، دەزگای چاپ و پەخشی سەردەم، ۲۰۰۰.
- **پەندی پێشینیان بەرگی ۱ و ۲**، عەبدولحەمید حیرەت سەجادی، ورمێ، بڵاوکردنەوەی سەلاحەدین، ۱۳۶۹.
- **گووارەی کوردەواری**، عەلی ڕوخزادی، چاپی دووهەم، سنە، بڵاوکردنەوەی کوردستان، ۱۳۸۵.
- **سەرچاوەی سەرزارەکی**(شفاهی).

۱. کەما: نوعی علف کوهی

ناوی چەند نەخۆشی بە زمانی کوردی

(نام چند بیماری به زبان کردی)

ئازارەباریکە: سل	سنان: سیاه زخم	شێرپەنجە: سرطان
ئالآمەت: زکام	سێوەڕۆ: مالاریا	شەپلە: فلج اطفال
باداری: روماتیسم	سیچکەسلاوە: گلمژه	گولی : جذام
باژێلە: نفخ	گلاراو: آب مروارید	قۆزەڕشە: سیاه سرفه
پەتا: زکام	فێ: صرع	کەفتەیی: حصبه
خەرکان: نوعی بیماری قارچی	کتووپڕ: سکته	لافشە: قارچ لای انگشتان
درم: بیماری واگیر (زکام)	لاڕەشە: نوعی بیماری دامی	والآمەن: قارچ پوستی
ڕەشانەوە : وبا	ملەخڕە: اوریون	هەوڵە: آبله
زەردەیی: یرقان	سووریجە: سرخک	شەکرە: مرض قند

ناوی مانگە کوردییەکان لە دیالێکتی سۆرانی و کرمانجی

(نام ماه‌های کردی در گویش های سۆرانی و کرمانجی)

١	فروردین	خاکەلێوە	نیسان	آوریل
٢	اردیبهشت	گوڵان	گولان (ئایار)	می
٣	خرداد	جۆزەردان	حەزیران (حوزەیران)	ژون
٤	تیر	پووشپەڕ	تیرمەهـ (تەمووز)	جولای
٥	مرداد	گەلاوێژ	تەباخ (ئاب)	آگوست
٦	شهریور	خەرمانان	ئیلوون (ئەیلوول)	ستامبر
٧	مهر	ڕەزبەر	جووتمە (تشرینی یەکەم)	اکتبر
٨	آبان	خەزەڵوەر، گەڵاڕێزان	مژدار (تشرینی دووەم)	نوامبر
٩	آذر	سەرماوەز	کانوون (کانوونی یەکەم)	دسامبر
١٠	دی	بەفرانبار	چلە (کانوونی دووەم)	ژانویه
١١	بهمن	ڕێبەندان	سەبات (شوبات)	فوریه
١٢	اسفند	ڕەشەمە	ئادار (ئازار)	مارس

ئەلفوبێی لاتین ElfÛbêy latîn

(الفبای لاتین)

الفبای لاتین گویش سورانی سلیمانیه ۳۶ حرف است و تنها حرف همزه « ء » در این الفبا هیچ نشانه‌ای ندارد.

١- ئا: A a	٢- ب: B b	٣- ت: T t	٤- پ: P	٥- ج: C	٦- چ: Ç
٧- ح: Ĥ h´	٨- خ: X	٩- د: D d	١٠- ر: R r	١١- ڕ: Ŕŕ	١٢- ز: Z
١٣- ژ: J	١٤- س: S	١٥- ش: Ş	١٦- ع: ’	١٧- غ: X́	١٨- ف: F
١٩- ڤ: V	٢٠- ق: Q q	٢١- ك: K	٢٢- گ: Gg	٢٣- ل: L l	٢٤- ڵ: Ĺĺ
٢٥- م: Mm	٢٦- ن: Nn	٢٧- و بێدەنگ W	٢٨- وو: Ûû	٢٩- ۆ: O	٣٠- ھ: Hh
٣١- ی: بێدەنگY	٣٢- ی: دەنگدارî	٣٣- ە ــ: E e	٣٤- ــ: Éê	٣٥- و دەنگدار Uu	٣٦- بزرۆکە i

حرف « و » و حرف « ی » هر کدام نشان‌دهنده‌ی دو حرف هستند و این تفاوت در الفبای لاتین نشان داده شده است.

« و » صامت:	w	مانند: وشە	wişe
« و » مصوّت:	u	مانند: کورد	kurd
« ی » صامت:	y	مانند: یاوەر	yawer
« ی » مصوّت:	î	مانند: دین	dîn

- حرف « آ » « A »

در الفبای لاتین حرف آ به صورت « A » نوشته می‌شود. برای همزه « ء » در الفبای لاتین هیچ نشانه‌ای وجود ندارد؛ مثال: ئـاوات Awat A

- حروف « ج » « C »، « س » « S »

در الفبای لاتین حرف « ج » به صورت « C » نوشته می‌شود و نباید « C » را با « س » اشتباه گرفت. حرف « س » در لاتین به صورت « S » نوشته می‌شود.

ج: جه‌ماوه‌ر، جیژن (مردم، جشن) Cemawer. Cêjin C

س: سامالْ، ڕاسته‌وخۆ (آسمان صاف و آبی،مستقیم) Samaĺ. Ŕastewxo S

-حروف: « چ » « Ç »، « ح » « H́ »، « ه » « H »

در الفبای لاتین حرف « چ » به صورت « Ç » نوشته می‌شود. حرف « ح » در این الفبا به صورت « H́ » نوشته می‌شود. حرف « ه » نیز به صورت « H » نوشته می‌شود.

چ: چرۆ، چاوه‌ڕێ (جوانه، منتظر) Çiro. Çaweŕê Ç

ح: حه‌په‌ساو (بهت‌زده) H́epesaw H́

ه: هه‌ور، ئاه Hewr. ah H

- حروف « خ » « X »، « غ » « X́ »

در الفبای لاتین حرف « خ » بـه صـورت « X » نوشـته مـی‌شـود و نبایـد ایـن حـرف را بـا « ایکس » در الفبای انگلیسی اشتباه گرفت. حرف « غ » به صورت « X́ » که یـک یـا دو خـط کوچک بر روی آن قرار گرفته باشد نوشته می شود.

خ: خه‌رمان، مـخـابن (خرمن، افسوس) Xerman.Mixabin X

غ: غه‌واره (بیگانه) X́eware X́

- حروف « ر » « R »، « ڕ » « Ŕ »، « ژ » « J » ....

حرف « ر » در لاتین به صورت « R » و حرف « ڕ » به صورت « Ŕ » می‌شود. حرف « ژ » نیز به صورت « J » نوشته می‌شود. واج « R » (« ر » ناسک، « ر » نازک) در کردی سورانی هیچ وقت در ابتدای کلمات نمی‌آید، امّا در کردی کرمانجی واج « R » (« ر » ناسک) در ابتدای واژه‌ها نیز می‌آید.

ر: زریان، برین (باد سرد، زخم)	Ziryan. Birîn	r
ڕ: ڕووناك، بڕین (روشنایی، بریدن)	Ŕûnak. Biŕîn	Ŕ ŕ
ژ: ژوانگه، ژه‌م (میعادگاه، وعده‌ی خوراک)	Jwange.Jem	J
نمونه‌ی واژه در کردی شمال (کرمانجی): رووناهی	Rûnahî	R

- حروف « ش » « Ş »، « ڤ » « V »، « ق » « Q » ....

در الفبای لاتین حرف « ش » به صورت یک « s » که در زیر آن یک ویرگول قرار دارد « Ş » نوشته می‌شود. حرف « ڤ » به صورت « V » و حرف « ق » به صورت « Q q » نوشته‌می‌شود.

ش: شه‌به‌ق، نه‌شمیل (نخستین تابش آفتاب، زیبای دلکش)	Şebeq.NeŞmîl	Ş
ڤ: مرۆڤ ، تاڤگه (انسان، آبشار)	Mirov.Tavge	v
ق: قامك، ته‌قینه‌وه (انگشت، انفجار)	Qamik.Teqînewe	Q q

- حرف « ع » « ’ » ....

حرف « ع » در الفبای لاتین به دو صورت نوشته‌می‌شود. عدّه‌ای آن را مانند « ء » می‌دانند و علامتی برای آن نمی‌گذارند و عدّه‌ای نیز علامت ویرگولی را در قسمت بالای کلمه قرار می‌دهند، که رایج‌تر است، به این صورت « ’ »

ع: عه‌ودال(خانه به دوش)، عادل	’ewdaĺ , ’adiĺ	’

- **حروف « ل »، « L »، « ڵ »، « Ĺ »**

در زبان کردی دو واج « ل » و « ڵ » کاملاً با هم متفاوتند. « ل » در الفبای لاتین به صورت « L » و « ڵ » را به صورت « Ĺ » می‌نویسیم. حرف « ڵ » (ل قەڵەو(لام درشت)) در کردی سورانی هیچ وقت در ابتدای کلمات نمی‌آید.

ل: لاو، سەلماندن (جوان، قبولاندن)	Law. Selmandin	L l
ڵ: ئاڵا، ڕەهێڵە (پرچم، باران تند)	Aĺa.Ŕehêĺe	Ĺ ĺ

- **حروف « و » « w »، « و » « u »، « وو » « Û »، « ۆ » « O »**

در زبان کردی دو « و » وجود دارد. « و » صامت و « و » مصوّت که در الفبای لاتین دارای نشانه‌های جداگانه هستند. « و » مصوّت کوتاه تقریبا شبیه ضمه‌ی فارسی است.

« وو » دارای صدایی هم‌چون « او » است و با این علامت « Û » نشان داده می‌شود و « ۆ » به صورت « o » نوشته می‌شود.

« و » صامت: مانند: وشە	WiŞe	W
« و » مصوّت: مانند: کورد	Kurd	U
وو: دووکەڵ، ڕووخان (دود، ویران شدن)	Dûkeĺ. Ŕûxan	Û
ۆ: تۆز، سۆما (گردوغبار، سوسو زدن روشنایی)	Toz. Soma	O

- **حروف « ه » « H » ، « ە » « e »**

در الفبای کردی به شیوه‌ی لاتین « ه » جدا و پیوسته به صورت « ه » نوشته‌می‌شود. توجه داشته‌باشید که حرف « ە » در الفبای کردی مصوّت کوتاه فتحه است و نباید آن را با « ه » اشتباه کرد. « ە » در لاتین به صورت « e » نوشته‌می‌شود.

ه: هاوار، ئاه (فریاد، آه)	Hawar. Sehoĺ	H h
ە: (ـَ) دەرد، شەرم (درَد، شَرم)	Derd.Şerm	E e

- **حروف « ی » « Y »، « ی » « î »**

در الفبای کردی دو « ی » وجود دارد. « ی » صامت و « ی » مصوّت که در الفبای لاتین دارای نشانه‌های جداگانه هستند.

« ی » : صامت: یاوەر — yawer — Y

« ی » : مصوّت: دیرۆك (رویداد تاریخی، افسانه) — Dîrok — î

- **حروف « ێ » « ê »، بزرۆکە « i »**

در الفبای لاتین « ێ » به صورت « ê » نوشته می‌شود. بزرۆکە که شبیه صدای یک کسره‌ی فشرده است در الفبای کردی به شیوه‌ی عربی نشانه‌ای ندارد اما در الفبای لاتین به صورت « i » نوشته می‌شود.

ێ یـێ (ـِـ): ڕێز، ئێرە، سێو، لادێ — Ére. sêw. Ladê — É ê

بزرۆکە : ژن، دلۆڤان — Jin .dilovan — i

- **حرف ء**

برای حرف همزه در الفبای لاتین هیچ نشانه و حرفی وجود ندارد. در زیر تمامی حالاتی را که احتمال دارد همزه نوشته شود آمده است:

ئا ، ئۆ ، ئو ، ئوو ، ئێ ، ئی — A .O .U .Û. É .î

ئارام .... Ararm

ئۆخەی........ Oxey

ئوستا........ Usta

ئووگە (آنجا) .... Ûge

ئێرە .... Ére

ئیمان........ îman

***

خشتەی ئەلفوبێی لاتین

XiŞteî elfûbêy Latîn

(جدول الفبای لاتین)

١- ا : ئاوات	Awat
٢- ب : باهۆز، ڕێباز (طوفان، طریق)	Bahoz, Rêbaz
٣- ت : تارا، ئەستێرە (سرپوش عروس، ستارە)	Tara, Estêre
٤- پ : پاراو، شەپۆل (سیراب و باطراوت، موج)	Paraw, Şepol
٥- ج : جەماوەر، جێژن (مردم، جشن)	Cemewer cêjn
٦- چ : چرۆ، چاوەڕێ (جوانە، منتظر)	Çiro, Çaweŕê
٧- ح : حەپەساو (بهت‌زدە)	Ĥepesaw
٨- خ : خەرمان، مـخـابن (خرمن، افسوس)	Xerman.Mixabin
٩- د : دیمەن، شەدە (منظرە، دستار زنانە)	Dîmen. Şede
١٠- ر : زریان، برین (بادسرد، زخم)	Ziryan, Birîn
١١- ڕ : ڕووناك، بڕین (روشنایی، بریدن)	Ŕûnak, Biŕîn
١٢- ز : زۆزان، ئاوەز (ییلاق، فهم و هوش)	Zozan, Awez
١٣- ژ : ژوانگە، ژەم (میعادگاه، وعدەی خوراک)	Jwange, Jem
١٤- س : ساماڵ، ڕاستەوخۆ (آسمان صاف، مستقیم)	Samaĺ, Ŕastewxo
١٥- ش : شەبەق، نەشمیل (نخستین تابش آفتاب، زیبای دلکش)	Şebeq, NeŞmîl
١٦- ع : عەوداڵ (خانەبەدوش)، عادڵ	’ewdaĺ, ’Adiĺ
١٧- غ : غەوارە (بیگانە)	X́eware
١٨- ف : فڕۆکە، فووارە (هواپیما، فوارە)	Fiŕoke, Fûware
١٩- ڤ : مرۆڤ، تاڤگە (انسان، آبشار)	Mirov, Tavge

٢٠- ق : قامك، تەقینەوە (انگشت، انفجار)............ Qamik, Teqînewe

٢١- ك : كوردستان، مەكۆ (كردستان، انجمن)............ Kurdistan, Meko

٢٢- گ : گەڵا، لاجانگ (برگ، رخسار)............ Geĺa, Lacanig

٢٣- ل : لـاو، سەلـماندن (جوان، قبولاندن)............ Law, Selmandin

٢٤- ڵ: ئاڵا، ڕەهێڵە (پرچم، باران تند)............ Aĺa, Ŕehêĺe

٢٥- م : مەتەرێز، ڕامان (سنگر، تفكّر)............ Meterêz, Ŕaman

٢٦- ن : ناوەند، منداڵ (مركز، بچه)............ Nawend, Mindaĺ

٢٧- و : (بێدەنگ) وڵام، هەتاو (جواب، آفتاب)............ Wiĺam, Hetaw

٢٨- وو : دووكەڵ، ڕووخان (دود، ویران شدن)............ Dûkeĺ, Ŕûxan

٢٩- ۆ : تۆز، سۆما (گرد و غبار، سوسوزدن روشنایی)............ Toz, Soma

٣٠- هـ : هاوار، ئاه (فریاد، آه)............ Hawar

٣١- ی : (بێدەنگ): یاوەر............ yawer

٣٢- ی: (دەنگدار) دیرۆك (رویداد تاریخی، افسانه)............ Dîrok

٣٣- ە : (ـَـ) دەرد، شەرم. (درد، شرم)............ Derd, Şerm

٣٤- ێ یـ : (ـِـ) ئێرە، سێو، لادێ............ Ére, sêw, Lad

٣٥- و : (دەنگداری كورت) (ـُـ) كورد كـُـرد............ Kurd

٣٦- بزرۆكە : ژن: ژ+بزرۆكە+ن............ Jin

ء : بۆ دەنگی هەمزە لە ئەلفوبێی لاتینیدا هیچ نیشانەیەك نییە. پیشاندانی ئەم دەنگە بە شێوەی خوارەوەیە: ئا : a ئۆ : o ئو : u ئوو: û ئێ : ê ئی :î

ئارام.ئۆخەی.ئوستا.ئووگە(آنجا).ئێرە.ئیمان............ ararm. oxey . usta . ûge. êre . îman

نموونەی دەق بە ئەلفوبێی لاتین

NimÛney deq be elfÛbêy latîn

نمونەی متن به الفبای لاتین

غولام‌ڕەزا ئەرکەوازی (١٧٧٥-١٨٤٠)

غولام‌ڕەزا ئەرکەوازی لە ساڵی ١٧٧٥ لە « سەرچەفتە » سەر بە شاری « ئیلام » لە دایک بووە. ئەرکەواز یەکێکە لە عەشیرەتە گەورەکانی کورد. غولام‌ڕەزا سەرەتای خوێندنی لە لای باوکی و مەلا و میرزایانی ئەو سەردەمە بووە. شارەزای زانستییەکانی ئایینی ئیسلام و ئایینزای شیعە بووە. ماوەیەك خەریکی کاروباری سەرۆکایەتی خێڵی خۆی بووە. وا دەردەکەوێ دوا قۆناغی ژیانی ئەرکەوازی دوور لە مەڵبەندی خۆی لە وڵاتی ئاوارەیی بووبێ و هەر لەوێش کۆچی دوایی کردبێ.

Xuíam ŕeza erkewazî (1775-1840

Xuíam ŕeza erkewazî le saíî 1775 le serÇefte ser be şarî Îlam le dayik bûwe. Erkewaz yekêke le ’eşîrete gewrekanî kurd. Xuíam ŕeza seretay xwêndinî le lay bawikî u mela u mîrzayanî ew serdeme bûwe. şarezay zanistîyekanî ayînî Îslam u ayînzay şî’e bûwe. maweyêk xerîkî karubarî serokayetî xêíî xoy bûwe. wa derdekewê ke dwa qonaXî jyanî erkewazî dûr le meíbendî xoy le wíatî awareyî bûbê u her lewêş koÇî dwayî kirdibê.

ئەم شیعرەی بو کۆچی دوایی « ئەحمەد »ی کوڕی هۆنیوەتەوە:

Em şî’rey bo koÇî dwayî «eh'med»î kuŕî honîwetewe:

شەرت بوو بپووشم جامەی قەترانی
şert bû bipûşim camey qetranî

چو مەجنووون بنم سەر نە وێرانی
Çu mecnûn binim ser ne wêranî

شەرت بوو خوراکم وە لەختەی خوون کەم
şert bû xurakim we lextey xûn kem

وە ناخوون سینەم چو بێستوون کەم
we naxûn sînem Çu bêsitûn kem

...بنوورن خەلقان ڕوخسارم زەردەن
Binuŕin xelqan ŕuxsarim zerden

تا باچن "غولام" "ئەحمەد"ش مەردەن
ta baÇin X'uíam eh'mediş merden

...دەنگ دووس نییەن مرخ دڵ مەردەن
Deng dûs nîyen mirx dií merden

زنگانیم بییەن وە بار گەردەن
zînganîm bîyen we bar gerden

هۆنیوەتەوە: (سرودەاست)، بنم: (بگذارم)، ئایینزا: (مذهب)، کاروبار: (امور)، سەرۆکایەتی: (رهبری)، خێڵ: (طایفە)، وا دەردەکەوێ: (گویا)، قەترانی: (مادەی سیاەرنگ)، بنوورن: (نگاە کنید)، دووس: (دوست)، مرخ: (مرغ پرندە)، زنگانی: (زندگانی)، بییەن: (شدەاست)

- دیوان غلام رضا ارکوازی، تصحیح، ترجمه و شرح ظاهر سارایی، انتشارات رامان، چاپ دوم ١٣٨٦.
- مێژووی ئەدەبی کوردی، مارف خەزنەدار، بەرگی سێیەم، هەولێر، دەزگای چاپ و بڵاوکردنەوەی ئاراس، ٢٠٠٣.

Daykim دایکم

daykim gilarey Çawme	دایکم گلارەی چاومە
hêzî diĺ u henawme	هێزی دڵ و هەناومە
ke denûm damdepoşêt	کە دەنووم دام دەپۆشێت
nexoş bim bom decoşêt	نەخۆش بم بۆم دەجۆشێت
fêrm dekat diĺpak bim	فێرم دەکات دڵپاك بم
selar u hawŕêy Çak bim	سەلار و هاوڕێی چاکبم
wanekanim bixwênim	وانەکانم بخوێنم
be nermî xeĺk bidwênim	بە نەرمی خەڵك بدوێنم
ŕastgo bim ŕewişt cwan bim	ڕاستگۆ بم ڕەوشت جوان بم
diĺsozî nîştiman bim	دڵسۆزی نیشتمان بم

***

گلارە: (مردمک چشم)، هەناو: (درون)، دەنووم: (می‌خوابم)، سەلار: (کدبانوی محترم (این شعر از زبان دختر کی نوشتەشدەاست)، وانە: (درس)، بدوێنم: (حرف بزنم)

ـ ئەم شیعرەم لە پەرتووکی « ئەلفبێ و خوێندنەوەی نوێ » هێناوە کە بە داخەوە نە ناوی شاعیرەکەی لێ نووسرابوو و نە نووسەر و نە شوێنی چاپ و...

ماموستا

مەنسوور ڕەحمانی

ماموستا گیان فێرم کە، چوارچێوەکان بشکێنم
ماموستا گیان فێرم کە، لەمپەرەکان بڕمێنم
دەروونم کەیلی خەمە، پڕ لە دوگمای ماتەمە
هانا هەی داد بەرزە مژ، یاریم بە خەم دەربێنم
من منداڵی ساواتم، پا لە ڕێگای خەباتم
ڕووناکیم بۆ پێویستە، لەم ڕێبازە بنوێنم
ئامانجم بۆ مرۆڤە، تۆ بۆم بکە شرۆڤە
دۆزی زەریام پیشان بە، چارۆکەی بۆ هەڵبێنم
گوڵی خوێناوی گۆران، مەمی ئاشق لە ئالان
باسی دڵ کە لە باسان، فرمێسکی دڵ بڕژێنم
ماموستا، وانەی ئەوین، فێرمان کە با نەکەوین
ئەوین هەموو ژینم بێ، گیانم لە بۆی بتوێنم

***

Mamosta

mamosta gyan fêrm ke çwarçêwekan bişkênim
mamosta gyan fêrm ke lemperekan biŕmênim
derûnim keîlî xeme piŕ le dugmay mateme
Hana hey dad berzemij yarîm be xem der bênim
min mindaĺî sawatim pa le ŕêgay xebatim
Rûnakîm bo pêwîste   lem ŕêbaze binwênim
amancim bo mirove to bom bike şirove
dozî zeryam pîşan be çarogey bo heĺbênim
guĺi xwênawî goran   memî 'aşiq le alan
Basî diĺ ke le basan   firmêskî diĺ biŕjênim
mamosta waney ewîn fêrman ke ba nekewîn
Ewîn hemû jînim bê gyanim le boy bitwênim

لەمپەڕ: (مانع)،دوگم:(خشک‌مغزی و تعصب(لغت فرانسوی)،هانا:(فریادی از ته قلب)،بەرزەمژ:(دارندەی اندیشەی متعالی)، ساوا: (نوزاد)، خەبات:(مبارزه)،ڕێباز:(طریق)،مرۆڤ:(انسان)،شرۆڤە:(تحلیل)،دۆز:(هدف)،چارۆگە:(بادبان)، گۆران:(شاعر کُرد، شعر«گوڵی خوێناوی» او مشهور است)،مەم:(قهرمان منظومەی عاشقانەی «مەم و زین»(اثر احمد خانی)،ئالان:(نام منطقەای در کردستان ترکیه که «مەم» در آنجا کشته‌می‌شود)،وانە:(درس)، ئەوین:(عشق)

حەریق HÉRÎQ (١٨٥١-١٩٠٧)

Ĥerîq kuŕî mela nesruĺay zêwîye nawî mela saleh' bûwe le saĺî 1851î zayînîda Le zêwîye ke gundêke le lay sûrdaş le silêmanî u paĺî dawe be rojheĺatî şaxî pîremegrûnewe le dayik bûwe .

حەریق کوڕی مەلا نەسروڵای زێوییە، ناوی مەلاساڵەح بووە. لە ساڵی ١٨٥١ی زایینیدا لە زێوییە کە گوندێکە لە لای سووورداش لە سلێمانی و پاڵی داوە بە ڕۆژهەڵاتی شاخی پیرەمەگروونەوە، لە دایك بووە.

Mela nesruĺay bawikî ĥerîq le gundî kaşterî paĺ şaxî şaho le mabeynî hewramanî lehon u cwanŕo deçêt u le zêwîye be melayetî degîrsêtewe u her lewêş jin dênê.

مەلا نەسروڵای باوکی حەریق لە گوندی کاشتەری پاڵ شاخی شاهۆ لە مابەینی هەورامانی لەهۆن و جوانڕۆ دەچێت و، پاشان لە زێویە بە مەلایەتی دەگیرسێتەوە و هەر لەوێش ژن دێنێ.

Ĥerîq sereta le lay bawikî xwêndinî feqyetî dest pê deka u paşan be ŕêbazî feqyekanî kurdistanda deçêt u berew mizgewtî şêx miĥemedî berzincî le silêmanî u qeredax u

حەریق سەرەتا لە لای باوکی خوێندنی فەقیەتی دەست پێدەکا و پاشان بە ڕێبازی فەقیەکانی کوردستاندا دەچێت و بەرەو مزگەوتی شێخ محەمەدی بەرزنجی لە سلێمانی و قەرەداغ و

paşan berew mukryan dê u le xaneqay şêxî burhan debête murîdî şêx u le mehabad degîrsêtewe u debê be muderŕêsî mizgewtî seyd ĥesen u her le mehabad jinî hênawe .
kuŕ u kiçêkî bûwe. serencam le saĺî 1907 zayînîda le temenî 56 saĺîda kocî dwayî kirdûwe u le goŕistanî mela camî le mehabad nêjrawe.

پاشان بەرەو موکریان دێ و لە خانەقای شێخی بورهان دەبێتە موریدی شێخ و لە مەهاباد دەگیرسێتەوە و دەبێ بە مودەڕڕیسی مزگەوتی سەید حەسەن و هەر لە مەهاباد ژنی هێناوە.
کوڕ و کچێکی بووە، سەرەنجام لە ساڵی ١٩٠٧ ی زایینی لە تەمەنی ٥٦ ساڵیدا کۆچی دوایی کردووە و لە گۆڕستانی مەلا جامی لە مەهاباد نێژراوە.

نموونەی ئاخافتن بە دیالێکتی کرمانجی

Nimûney axaftin be dyalêktî kirmancî

(نمونەی مکالمە در گویش کرمانجی)

- dem baş ...
- دەم باش (ئەم کاتەت باش) ...

- Çawayî. Başî?
- چاوایی. باشی؟ (چۆنی ؟)

- Sax bî silamet bî...
- ساخ بی سلامەت بی.

- Navê te çine?
- ناڤێ تە چنە ؟ (چییە ؟)

- nave min ramyare
- ناڤێ من رامیارە ...

- te li kû derê hatîye
- تە لە کوو دەرێ هاتییە؟ (تۆ لە کوێوە هاتووی ؟)

- ez le sinera hatime
ئەز لە سنەرا هاتمە.(من لە سنەوە هاتووم)

- xwendewanya te çi qase?
خوەندەوانیا تە چ قاسە؟ (خوێندەواری تۆ چەندە؟)

-ez h'eya pola sisêya seretayîyê xwendîye.
ئەز حەیا پۆلا سسێیا سەرەتاییێ خوەندییە.(من تا پۆلی سێیەم خوێندووە.)

- تە دخوازی پشتی یە کوو خوەندەوانیا خوە خلاس کر چ شوولەکی بکی؟ (تۆ دەتەوێ دوای ئەوەی کە خوێندنت تەواو کرد چ ئیشێك بکەی)
- te dixwazî piştî ye kû xwendewanîya xwe xilas kir çi şûlikî bikey?

- ئەز حەیا نها ل سەر ڤە پرسێ بریار نەدایە . (من تا ئێستە بۆ ئەم پرسیارە بڕیارم نەداوە)
- ez h'eya niha li ser ve pirsê biryar nedaye

- تە حەز دکی چ سترانەکی گۆهدار بکی؟ (تۆ پێت خۆشە گوێ لە چ گۆرانیەك بگری)
- Te h'ez dikî çi sitranekî gohdar bikî?

- پرانینا سترانێن کوو ئەز گۆهدار دکم کوردینە. (زۆرتری ئەو گۆرانیانەی گوێیان لێ دەگرم کوردین)
- Piranîna sitranên kû ez gohdar dikem kurdîne.

- سلاوێ من ژ دێ و بابێ خوەرا بشینە . ئەز هیویدارم کوو د حەمی ژیانا خوەدا سەرکەفتی بی.
(سلاوی من بە دایك و بابی خۆت بگەیێنە من هیوادارم کە لە هەموو ژیانی خۆتدا سەرکەوتوو بی)
- Silavê min ji dê u bavê xwera bişîne. Ez hîvîdarim kû di h'emî jyana xweda serkeftî bî

سەد وشەی لاتین بۆ ڕاهاتن Sed wişey latîn bo ŕahatin (صد واژه‌ی لاتین برای تمرین)

ئابووری abûrî : اقتصاد	ئامێر amêr : دستگاه
ئەرێنی erênî : مثبت	ئەزموون ezmûn : تجربه
بابەت babet : موضوع	بارودۆخ barûdox : اوضاع
باشوور başûr : جنوب	باكوور bakûr: شمال
باڵوێز baĺwêz : سفیر	بەرژەوەندی berjewendî : منفعت
بەرگری bergirî : دفاع	بەڕێوبەرایەتی beŕêwberayetî: مدیریت
بەستێن bestên : زمینه	بەڵگە beĺge : سند
بزووتنەوە bizûtnewe : جنبش	بیچمگیری bîÇmgîrî : شكل گیری
تازەگەری tazegerî : مدرنیته	تاوان tawan : جرم
توندوتیژی tundûtîjî : خشونت	توێژەر twêjer : پژوهشگر
پارێزەر parêzer : وكیل	پۆلێنكردن polênkirdin : تفكیک كردن
پاشخان paşxan : ذخیره	پاڵێوراو paĺêwraw : نماینده
پەرەسەندن peresendin : توسعه	پەیوەندی peywendî : ارتباط
پشتگیری piştgîrî : حمایت	پلە pile : درجه
پێداگری pêdagirî : اصرار ، تأكید	پێگە pêge : جایگاه
پیلان pîlan : توطئه	پێكدادان pêkdadan: برخورد
خاڵ xaĺ : نكته	خاوەنڕا xawenŕa : صاحب‌نظر

دۆخ dox حالت ، وضعیّت	خەسارناسی xesarnasî : آسیب‌شناسی
دامەزراوە damezrawe : مؤسّسە	دابونەریت dabûnerît : آداب‌ورسوم
دەسەڵات deseĺat : قدرت	دەمارگیری demargîrî : تعصب
دەنگ deng : رأی	دەور dewr: نقش
دروشم diruŞm : شعار	ژینگە jînge : محیط‌زیست
ڕۆژئاوا ŕojawa : غرب	ڕۆژهەڵات ŕojheĺat : شرق
ڕاپەڕین ŕaperîn : نهضت	ڕاڤە rave : تحلیل
ڕامان ŕaman : تأمل و تفکر	ڕامیاری ŕamyarî : سیاسی
ڕاوێژکاری ŕawejkarî : مشورت	ڕەخنە ŕexne : انتقاد
ڕووبەر ŕûber : مساحت	ڕووکەشی ŕûkeŞî : سطحی
ڕێکخراوە ŕêkxirawe : سازمان	دەستەواژە destewaje : اصطلاح
زلهێز zilhêz : ابرقدرت	سامان saman : ثروت
سەربەخۆیی serbexoyî : استقلال	سەلماندن selmandin : تحمیل
چەمك Çemk : مفهوم	گەمارۆ gemaro : محاصره
گریمانە girîmane : فرضیە	گشتی giŞtî : عمومی
قەیران qeyran : بحران	کۆمەڵایەتی komeĺayetî : اجتماعی
کۆمار komar : جمهوری	شوناس Şonas : هویت
کۆمەڵ komeĺ : جامعە	کارگێڕی kargêŕî : اداره

کارەبا kareba: برق	کۆگا koga : مغازه
کاروبار karûbar : امور	کاریگەری karîgerî : تأثیر
کەنداو kendaw : خلیج	کەمینە kemîne : اقلیت
کردەکی kirdarî : عملی	کردەکی kirdekî : بالفعل
کێشە kêŞe : مشکل	لایەنگری layengirî : طرفداری
لێکۆڵینەوە lêkoĺînewe : تحقیق	ماف maf : حق
مافی مرۆڤ mafîmirov : حقوق بشر	ناوخۆیی nawxoyî : داخلی
هەناردە henarde : صادرات	نەتەوە netewe : ملّت
نرخاندن nirxandin : ارزشیابی	نەرێنی nerênî : منفی
نێونەتەوەیی nêwneteweyî : بین‌المللی	هاوردە hawrde : واردات
هاوچەرخ hawÇerx : معاصر	هەڵسوکەوت heĺsûkewt : معاشرت
هەڵبژاردن heĺbijardin : انتخاب، انتخابات	هۆکار hokar : عامل
هەلومەرج helûmerc :وضعیّت، موقعیت	قۆناغ qunax´ : مرحله
هێزەکی hêzekî : بالقوه	هزر hizir : فکر و اندیشه
هێما hêma : نماد	یاسا yasa : قانون

***

ڕوونکردنەوەی چەند دەستەواژە

(شرح چند اصطلاح)

١- **دەنگناسی** Phonetics : دەنگناسی واتە ناسین و ڕاڤەی زانستیانەی دەنگەکانی زمان.

آواشناسی: phonetics آواشناسی **یعنی شناخت و تحلیل علمی آواهای زبان.**

٢- **واچناسی** phonology : واچناسی(فۆنۆلۆژی) ئەو زانستەیە کە فۆنیمەکانی زمان ڕاڤە و موتالاَ دەکات.

واجشناسی phonology : **واجشناسی علمی است که واج‌های زبان را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد.**

دەنگ و فۆنیم دوو شتی جیاوازن و پێناسەی جیاوازیان هەیە.

آوا و واج با هم متفاوتند و هر یک دارای تعاریف جداگانه‌ای می‌باشند.

٣- **دەنگ** phone : واتە دەنگێك کە بە هۆی پێکدادانی هەوای سییەکان لەگەڵ یەکێ لە ئەندامەکانی ئاخافتن وەکوو زار، زمان، لێو و... دروست دەبێت.

آوا phone **یعنی صدایی که به دلیل برخورد هوای شش با یکی از اندام‌های گفتار مانند دهان، زبان، لب و... به وجود می‌آید.**

٤- **(واچ)فۆنیم phoneme** : واتە بچووکترین یەکەی دەنگی زمان. فۆنیم دوو تایبەتمەندی سەرەکی هەیە:

یەکەم: فۆنیم دەبێتە هۆی جیاوازی واتایی نێوان دوو مۆرفیم یان وشە

دووهەم: لە ڕێگای تایبەتمەندی دەنگی لە دەنگەکانی‌تری زمان جیا دەکرێتەوە.

بۆ وێنە دوو فۆنیمی « ل » و « ڵ » لە دوو وشەی « گول » **(جذامی)** و « گوڵ » **(گُل)**دا دوو واتا و دوو جۆر دەربڕینی جیاوازی هەیە.

واج phoneme : **کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است. واج دارای دو ویژگی اساسی است:**

اول این که واج ممیز معنا میان دو تکواژ یا واژه است و دوم این که از راه خصوصیات

آوایی از دیگر آواهای زبان جدا می‌شود. به عنوان مثال « ل » و « ڵ » در دو کلمەی « گول » (جذامی) و « گوڵ » (گل) موجب ایجاد دو معنی و دو نوع تلفظ متفاوت شده است.

جیاوازی پیت و واچ(فۆنیم): بۆ وێنە لە زمانی فارسیدا فۆنیمی / ز / خاوەنی نیشانەگەلی پیتی « ز » ، « ظ » ، « ذ » و « ض»)ە کە هەموویان وەکوو دەنگی / ز / دەخوێنرێنەوە.

تفاوت حرف و واج: مثلاً در زبان فارسی واج / ز / دارای نشانه‌های الفبایی « ز» ، « ظ» ، « ذ » و « ض ») است که همگی به صورت / ز / تلفظ می‌شوند.

٥- **واچ(فۆنیم)ە دەنگدارەکانی زمانی کوردی:** دەنگدار vowel ئەو فۆنیمانەن کە لە ڕێڕەوی ئاخافتن و لە کاتی تێپەڕبوونی هەوا ژییەدەنگییەکان دەلەرێننەوە و کاتێ لە زار دێنە دەر هیچ لەمپەڕ و بەستراوییەك لە ڕێڕەوی هەوایاندا نییە. فۆنیمە دەنگدارەکانی زمانی کوردی ٨ دانەن.

واج‌های مصوّت: مصوّت vowel واج‌هایی هستند که در مسیر گفتار و هنگام عبور هوا تارهای صوتی را به صدا در می‌آورند و هنگام عبور از دهان هیچ مانعی سد راه این اصوات نمی‌گردد. واج های مصوّت زبان کردی ٨ تاست.

٦- **واچ(فۆنیم)ە بێدەنگەکان:** فۆنیمی بێدەنگ (consonant) ئەو فۆنیمانەن کە لە کاتی تێپەڕبوونی هەوا بەستراوییەکی تەواو، بەڵام کاتی، یان بەستراوییەکی ڕێژەیی لە بەردەمیاندا دروست دەبێت، وەکوو: / ب / یان / ش / کە لە واچی /ب/دا بەستراوییەکە تەواوە و لە واچی /ش/دا ڕێژەییە. فۆنیمە بێدەنگەکانی زمانی کوردی (سۆرانی سلێمانی) ٢٩ فۆنیمە.

صامت‌ها: واج صامت (consonant) به واج‌هایی اطلاق می‌شوند که هنگام عبور هوا از اندام‌های گفتار یک انسداد کامل اما موقتی یا انسدادی نسبی در راه عبور جریان هوای واج‌ها به وجود می‌آید، مانند: / ب / یا / ش / که در واج /ب/ انسداد کامل است و در واج /ش/ نسبی.

٦- **بڕگە syllable لە زمانی کوردیدا:** زمانەوانان بۆ پێناسەی بڕگە تەبا نین، بەڵام بۆ پێناسەی بڕگە لە زمانی کوردی دیالێکتی سۆرانی سلێمانی دەتوانین بڵێین: بڕگە لەم دیالێکتە

بریتییە لە زنجیرەیەکی دەنگی کە پێکهاتووە لە یەك دەنگدار و یەك تا پەنج بێدەنگ. لە دیالێکتی سۆرانیدا هەشت جۆر بڕگەمان هەیە بە شێوەی خوارەوە:

هجا در زبان کردی:

زبان‌شناسان در تعریف هجا متفق‌القول نیستند. برای تعریف هجا در زبان کردی گویش سلیمانی می‌توان گفت: هجا در این گویش عبارت است از زنجیره‌ای آوایی که از یک مصوّت و یک تا پنج صامت تشکیل شده است.

ژمارەی بڕگە لە زمانی کوردیدا (تعداد هجا در زبان کردی):

دەنگدار : vowel   بێدەنگ : consonant

١- cv   ٢- cvc   ٣- cvcc   ٤- ccv   ٥- ccvc   ٦- ccvcc   ٧- cvccc

١- چوو (چ + وو) Ç + Û CV

٢- چاو (چ + ا + و) Ç + A + W CVC

٣- دەشت (د + ە + ش + ت) D + E + Ş + T CVCC

٤- گوێ (گ + و + ێ) G + W + Ê CCV

٥- شوێن (ش+و+ێ+ن) Ş + W + Ê + N CCVC

٦- سوێند (س + و + ێ + ن + د) S + W + Ê + N + D CCVCC

٧- خۆیشك (خ + ۆ + ی + ش + ك) X + O + Y + Ş + K CVCCC

(جۆری بڕگەی ژمارەی ٧ تەنیا لە موکریاندا هەیە.)

سەرچاوەکانی ئەم بەشە(منابع این بخش):

- **بررسی زبان**، جورج یول، ترجمه‌ی محمود نورمحمدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات رهنما. ١٣٨٠
- **کردی ایلامی** (بررسی گویش بدِره)، دکتر غلامحسین کریمی دوستان، سنندج، انتشارات دانشگاه کردستان. ١٣٨٠
- مقاله‌ی «هجا در زبان کردی»، دکتر غلامحسین کریمی دوستان.
- **آواشناسی**، علی‌محمد حق‌شناس، چاپ هشتم، تهران، انتشارات آگاه ١٣٨٢.
- **آواشناسی زبان فارسی**، یدالله ثمره، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ١٣٧١.
- **آواشناسی و دستور زبان کردی**، علی رخزادی، تهران، انتشارات ترفند ١٣٧٩

سەرچاوەکان (منابع):

- کوردی:

١- حاجی مارف، ئەورەحمان، ٢٠٠١، **رێزمانی کوردی**، بەرگی یەکەم (وشەسازی)، سلێمانی، ئۆفسێتی تیشک.

٢- حەمە خورشید، فوئاد، ١٩٨٥، **زمانی کوردی دابەشبوونی جوگرافیایی دیالێکتەکانی**، بەغدا، چاپخانەی آفاق عربیه.

٣- حیرەت سەجادی، عەبدولحەمید، ١٣٦٩، **پەندی پێشینیان** بەرگی ١ و ٢، ورمێ، بلاوکردنەوەی سەلاحەدین.

٤- خاڵ، شێخ محەمەد، ٢٠٠٠، **پەندی پێشینیان**، سلێمانی، دەزگای چاپ و پەخشی سەردەم.

٥- خەزنەدار، مارف، ٢٠٠١، **مێژووی ئەدەبی کوردی**، بەرگی یەکەم، دەزگای چاپ و بلاوکردنەوەی ئاراس، هەولێر.

٦- خەزنەدار، مارف، ٢٠٠٣، **مێژووی ئەدەبی کوردی**، بەرگی سێیەم، دەزگای چاپ و بلاوکردنەوەی ئاراس، هەولێر.

٧- بۆرەکەیی، سدێق، ١٣٧٠، **مێژووی وێژەی کوردی**، بەرگی ٢، چاپی یەکەم، بانە، بلاوکردنەوەی ناجی.

٨- ڕوخزادی، عەلی، ١٣٨٥، **گووارەی کوردەواری**، چاپی دووهەم، سنە، بلاوکردنەوەی کوردستان.

٩- **محەمەد** عەزیز، حوسێن، ١٩٩٩، **سەلیقەی زمانەوانی و گرفتەکانی زمانی کوردی**، سلێمانی، چاپ و پەخشی سەردەم.

١٠- نەبەز،جەماڵ، ١٩٧٦، **زمانی یەکگرتووی کوردی، ئاڵمانیا**، چاپی یەکیەتی نەتەوەیی خوێندکارانی کورد.

١١- هێمن، ١٣٦٧، **تاریک و روون**، مەهاباد، چاپخانەی سەیدیان.

١٢- هەردی، ئەحمەد، ١٩٩١، **رازی تەنیایی**، چاپی سێهەم، سەقز، بلاوکردنەوەی محەمەدی.

١٣- **چوارینەکانی خەییام**، ١٣٧٠، وەرگێڕاوی هەژار، بلاوکردنەوەی سروش، چاپی دووهەم، تاران.

١٤- **زمان و ئەدەبی کوردی**، ١٩٩٩، پۆلی دووهەمی ناوەندی، کۆماری عیراق، وەزارەتی پەروەردە.

١٥- **زمان و ئەدەبی کوردی**، ١٩٩٩، پۆلی سێهەمی ناوەندی، کۆماری عیراق، وەزارەتی پەروەردە.

١٦- **زمان و ئەدەبی کوردی**، ١٩٩٩، پۆلی یەکەمی ناوەندی، کۆماری عیراق، وەزارەتی پەروەردە.

١٧- **گوڵستانی سەعدی**، ١٣٧١، وەرگێڕاوی مستەفا سەفوەت، بانە، بلاوکردنەوەی ناجی.

١٨- **قورئانی پیرۆز**، ١٣٨٠، وەرگێڕاوی عەبدورڕەحمان شەرەفکەندی (هەژار)، تاران، بلاوکردنەوەی ئیحسان.

١٩- **دیوانی بێسارانی**، ١٣٧٥، لێکۆڵینەوە و لێکدانەوە، حەکیم مەلا ساڵح، سنە، بلاوکردنەوەی گۆران.

٢٠- **دیوانی بێکەس**، ١٣٦٩، ڕێکخستنی محەمەدی مەلاکەریم، سەقز، چاپی محەمەدی.

٢١- **دیوانی پیرەمێردی نەمر**، ١٣٦٩، محەمەد ڕەسوڵ (هاوار)، سەقز، بلاوکردنەوەی محەمەدی.

٢٢- **دیوانی حاجی قادری کۆیی**، ١٩٨٦، لێکوڵینەوە سەردار حەمید میران، کەریم مستەفا شارەزا، چاپی ئەمێنداریێتی گشتیی ڕۆشنبیریی لاوانی ناوچەی کوردستان.

٢٣- **دیوان غلام رچا ارکوازی**، تصحیح، ترجمه و شرح ظاهر سارایی، انتشارات رامان، چاپ دوم ١٣٨٦.

٢٤- **دیوانی گۆران**، ١٩٨٠، بەرگی یەکەم، بەغدا، چاپخانەی کۆڕی زانیاری عێراق.

٢٥- **دیوانی قانع**، ١٩٧٩، چاپی یەکەم، چاپخانەی زانکۆی سلێمانی.

٢٦- **دیوانی مەحوی**، ١٣٦٧، مەلا عەبدولکەریمی مودەڕڕیس و محەمەدی مەلا کەریم، ورمێ، بڵاوکردنەوەی سەلاحەدینی ئەیوبی.

٢٧- **دیوانی مەستورەی ئەردەڵان**، ١٣٧٤، کۆکردنەوە و لێکدانەوەی سدیق بۆرەکەیی، چاپی یەکەم، بانە، بڵاوکردنەوەی ناجی.

٢٨- **دیوانی مەولەوی**، ١٣٧٨ کۆکردنەوە، لێکۆڵینەوە و لێکدانەوە، مەلا عەبدولکەریمی مودەڕڕیس، سنە، بڵاوکردنەوەی کوردستان.

٢٩- **دیوانی نالی**، ١٣٦٨، لیکۆڵینەوەی مەلا عەبدولکەریمی مودەڕڕیس، چاپی سێهەم، ورمێ، بڵاوکردنەوەی سەلاحەدینی ئەیوبی.

٣٠- **مەم و زین، ئەحمەدی خانی**، لێکدانەوەی پەرویزی جیهانی، ورمێ، بڵاوکردنەوەی سەلاحەدینی ئەیوبی.

٣١- **ئارژین** (کۆمەڵە وتاری وێژە و زمانەوانی)، ٢٠١٠، مەنسوور ڕەحمانی، سلێمانی، مەڵبەندی ڕۆشنبیری هەورامان.

- فارسی:

٣٢- ثمره، یدالله، ١٣٧١، آواشناسی زبان فارسی، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

٣٣- حق‌شناس، علی‌محمد ،١٣٨٢، آواشناسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات آگاه.

٣٤- رخزادی، علی، ١٣٧٩، آواشناسی و دستور زبان کردی، تهران، انتشارات ترفند.

٣٥- مشکوه‌الدینی، مهدی، ١٣٧٤، ساخت آوایی زبان، چاپ سوم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

٣٦- قاضی، احمد، ١٣٦٧، دستور زبان کردی، ارومیه، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی.

٣٧- کریمی دوستان، غلامحسین، ١٣٨٠، کردی ایلامی (بررسی گویش بدره)، سنندج، انتشارات دانشگاه کردستان.

٣٨- یول، جورج، ١٣٨٠، بررسی زبان، ترجمه‌ی محمود نورمحمدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات رهنما.

٣٩- دبیر مقدم، محمد، زبان، گویش، گونه و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی، مجله ادب‌پژوهی، شماره پنجم، تابستان و پاییز ١٣٨٧.

٤٠- باطنی، محمدرضا، مسائل زبان‌شناسی نوین: ده مقاله، انتشارات آگاه، تهران ١٣٥٤.

٤١- زبان فارسی ١، ١٣٨٤، سال اول دبیرستان، چاپ نهم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.

٤٢- زبان فارسی ٢، ١٣٨٠، سال دوم دبیرستان، چاپ چهارم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.

٤٣- زبان فارسی ٣، ١٣٨٣، سال سوم دبیرستان، چاپ ششم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.

٤٤- قرآن کریم، ١٣٧٤، ترجمه و توضیحات بهاءالدین خرمشاهی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامی و نیلوفر.

Waney kurdî

Taybete Be Fêrkarî Zimanî Kurdî
(r'ênûsî 'erebî u latîn)

Mensûr R'eh'manî